

حقوق حیوانات در فقه اسلامی

○ ابوالقاسم مقیمی حاجی

چکیده

امروزه حقوق حیوانات و حفظ گونه‌های مختلف آنها، از جمله مسائلی است که در سراسر جهان از جانب دولت‌ها و سازمان‌ها و عموم کسانی که به مسائل زیست محیطی و حمایت از حیوانات علاقمند می‌باشند، مورد توجه قرار گرفته است. در معارف اسلامی نیز در کنار مسائلی مربوط به انسانها و حقوق آنها، مسائل محیط زیست و از جمله حیوانات، حائز اهمیت می‌باشد. در این مقاله احکام و قوانینی که در ابواب مختلف فقه اسلامی، پیرامون حفظ و نگهداری و بهره برداری و ممنوعیت آزار و اذیت حیوانات وجود دارد، ذکر گردیده است. آنچه در فقه اسلامی موجود می‌باشد، مجموعه قوانینی جامع و کامل است که می‌تواند راهگشای تدوین قانون جامع «حقوق حیوانات» در عصر حاضر گردد.

مقدمه

بشر در آغاز عصر علم و تکنولوژی و صنعتی شدن جهان، سرمست از پیشرفت و توسعه صنعتی، تنها بر تولید هر چه بیشتر و بهره برداری کامل از محیط پیرامون خود چون معادن

و جنگل‌ها و دریاها- می‌اندیشید و بی‌رحمانه طبیعت اطراف خویش را مورد هجوم قرار داد تا اینکه روزی خود را در گردابی مهلك از نابسامانی‌های زیستی دید و جهان طبیعت را در حال نابودی مشاهده نمود.

در قرن گذشته بحران محیط زیست و نابودی گونه‌های مختلف حیوانات، توجه صاحب نظران را جلب کرد و سرانجام برای حفظ و حراست از آن، قوانینی- هرچند ناقص- وضع کردند.

برای نخستین بار در جهان غرب پس از رنسانس، همراه با صنعتی شدن جهان، در سال ۱۸۲۲ میلادی قانونی برای حمایت از حیوانات در پارلمان انگلستان به تصویب رسید. این قانون در سال ۱۹۱۱ تکمیل گردید و بعدها در کشورهایی مانند آلمان، آمریکا، اسپانیا، بلژیک، دانمارک و برخی دیگر از کشورها قوانینی نظیر آن تدوین و تصویب شد و به مرور تبصره‌هایی بر آن افزودند.

این قانون در بردارنده چند بند، پیرامون بارکشی و ایجاد درگیری میان حیوانات، کشتن آنها با مواد سمی، بریدن دم اسب، شکار گوزن در شب، مبارزه با بیماری حیوانات و بیهوشی قبل از ذبح می‌باشد.^۱

از اشکالات مهم قوانین فوق، جامع نبودن و جزئی و موردی بودن آن است. علاوه بر آن که این قوانین در قرون اخیر وضع گردید هرچند به مرور زمان و در دهه‌های اخیر به تکمیل آن پرداختند و در برخی موارد راه افراط را پیش گرفتند.

اما در فقه اسلامی، قوانینی کلی و جامع درباره حفظ، نگهداری، استفاده و بهره برداری از حیوانات و منع آزار و اذیت آنها، وضع شده است. همچنین برای مسائل زیست محیطی و رعایت شئون و حقوق حیوانات جایگاه مناسبی لحاظ گردیده است و با دیدگاهی منطبق بر عدالت و انصاف با آن برخورد شده است. در سرتاسر فقه، مسایل و فروع فراوانی به چشم می‌خورد که اسلام، اجرای آن را بر عهده حکومت قرار داده است و بالاتر

۱. دکتر فریدونی، حمایت از حیوان، ر، ک: تأثیر محیط زیست در انسان، ص ۷۲؛ حقوق محیط زیست،

از آن، شخص را در مقابل خالق متعال مسؤول می‌داند.

قبل از ورود در بحث ذکر نکاتی لازم است:

۱. قوانین حمایتی اسلام از حیوانات، حکم شرعی و الزامی است و همانگونه که در متون روایات^۲ به آن تصریح شده است، می‌توان از آن به حقوق نیز تعبیر کرد. از آنجا که حیوانات از احترام و درک و شعور برخوردارند این حقوق برای آنها وضع گردید که در پایان بخش نخست به همراه طرح ادراکات و شعور حیوانات با ذکر شواهد بیشتری با زوایای این بحث آشنا می‌شویم.

البته حقوق حیوان با ویژگی های حق در انسانها متفاوت است؛ زیرا در تعریف حق در انسانها گفته می‌شود: آنچه قابل اسقاط است و اگر قابل اسقاط نباشد به آن حکم می‌گویند. روشن است که درباره حیوان قابل اسقاط بودن معنا ندارد، اما باید گفت همین قابل اسقاط نبودن حکم، وضعیت آن را دشوارتر می‌کند؛ زیرا تنها راه خروج از عهده آن، انجامش می‌باشد و اگر در انسانها بتوان با جلب رضایت صاحب حق، از انجامش سر باز زد و از زیر تکلیف آن شانه خالی کرد، اما در حیوانات به علت قابل اسقاط نبودن، انسان موظف است به آن عمل مبادرت ورزد. علاوه بر آنکه حق و حکم در ماهیت و حقیقت تفاوتی نداشته و هر دو از امور اعتباری می‌باشند که قوام آن به جعل شارع است و همه آنها حکم شرعی به حساب می‌آید و هر چند از حیث آثار قابل اسقاط بودن یا نبودن - مختلف هستند، اما این مسأله تفاوت ماهوی را میان آن دو اثبات نمی‌کند.^۳

۲. در این مقاله متون فقهی شیعه پیرامون حقوق حیوانات مطرح می‌شود تا توجه اندیشمندان و ارباب دانش را به عمق و غنای فقه اسلامی جلب کنیم و در هر قانونی سعی شده از چند کتاب جامع و معتبر شیعه استفاده شود تا مطالب مطرح شده از ارزش حقوقی برخوردار باشد و در حد امکان از کتاب هایی استفاده شده که دارای سابقه زمانی بیشتری هستند تا شاهدی بر قدمت این قوانین در فقه شیعه باشد. همانند کتاب شیخ طوسی (ره)،

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۲، باب ۹ از ابواب احکام الدواب، ح ۶ و ۷.

۳. مصباح الفقاهه، ج ۲، ص ۴۶، ح ۴۸.

ابن حمزه (ره)، محقق حلی (ره)، علامه حلی (ره) و دیگران هر چند با توجه به مدارك فقه شيعه که از آیات قرآن و روایات استفاده می شود پیشینه این قوانین به زمان پیامبر اکرم (ص) و احادیث نبوی و یا روایات سایر امامان معصوم (ع) می رسد و قدمتی در حدود چهارده قرن دارد و همین امر، آن را از قوانین جاری در کشورهای غربی متمایز می سازد.

۳. در هریک از مواردی که به عنوان حقوق حیوان ذکر می شود برای تکمیل بحث به همراه درج متون فقهی، احادیث مربوط به آن را، به ویژه آن دسته از روایات را که مورد استفاده فقها قرار گرفته است نیز ذکر می کنیم تا با مستندات و مدارك این حقوق و فتاوی فقها بیشتر آشنا شویم. اما روایات مربوط به استحباب نگه داشتن حیوانات، ذکرهایی که هر کدام می گویند و مطالبی از این قبیل را در این مجموعه ذکر نمی کنیم و این احادیث گرانها مجال دیگری می طلبد.

۴. هر چند در این باره مقالاتی به نگارش در آمده، اما این نوشتار نسبت به گسترش مسائل و جامعیت مواردی که مربوط به حقوق حیوان در سراسر فقه می باشد نو و تازه است و شاید برای برخی که آشنایی محدودی با فقه شيعه دارند وجود این قوانین، آن هم با تعابیری الزام آور بعید به نظر برسد. لذا سعی شده در پاره ای از موارد، ترجمه متون فقهی بدون تصرف در متن مقاله ذکر شود و عبارات عربی نیز در برخی موارد در متن و یا پاورقی درج گردد که تا به خوبی روشن گردد تعابیر و قوانین ذکر شده، نص کلام فقها می باشد.

۵. از آنجا که به اعتراف مسئولان مربوطه، تا کنون هیچ قانون جامعی برای حمایت از حیوانات در نظام حقوقی کشور وجود ندارد،^۴ این تحقیق می تواند ارائه دهنده پیشنهاد اولیه قانون جامع حمایت از حیوانات در اسلام بوده و برای طرح در مجامع قانونی مفید باشد.

این نوشتار مشتمل بر چهار بخش می باشد:

بخش نخست: زیر بنای حقوق حیوان.

بخش دوم: حقوق حیوان در حفظ و نگهداری.

۴. دکتر سیدجاوید آل داود، رئیس هیأت مدیره انجمن حمایت از حیوانات، روزنامه انتخاب، ۱۹ خرداد

بخش سوم: حقوق حیوان در بهره برداری و استفاده بهینه .
بخش چهارم: حقوق حیوان در جنایات و صدمات وارد بر آنها .

بخش نخست: زیر بنای حقوق حیوان

در فقه اسلامی قوانین بسیاری پیرامون حمایت از حیوانات به چشم می خورد که باید به زیر بنای آن توجه کرد و دید از کجا سرچشمه می گیرد .

بر اساس معارف دینی و به صراحت قرآن کریم، تمام جهان هستی دارای درک و شعور بوده و با خالق جهان در ارتباط هستند هر چند برای ما انسانها درک آن از طرق عادی مقدور نیست و رابطه ما با آنها گسسته است.^۵ در این دیدگاه، زمین، آسمان و هر آنچه در این دو است از ستارگان، درختان، سنگ ها و ... ذکر و تسبیح الهی را گفته و از شعوری فراخور خلقت خود برخوردارند.^۶ در این میان حیوانات نیز هر چند قوه ناطقه و عاقله انسانی را ندارند از درک و شعور بهره مند بوده و از احساسات و عواطف برخوردار هستند . به همین علت فقه اسلامی برای حیوانات حرمتی قائل شده که به دنبال خود، حقوقی برای حیوان و تکالیفی را بر عهده صاحبان آنها در پی دارد .

شیخ طوسی (ره) در مقام تعلیل برای وجوب نفقه حیوانات تصریح می کند:

لأن لها حرمة؛^۷

زیرا حیوان از احترام و حرمت برخوردار است .

همچنین علامه حلی (ره) در کتاب اجاره می گوید:

لأن للحیوان حرمة فی نفسه؛^۸

زیرا حیوان به خودی خود و ذاتاً از حرمت و احترام برخوردار است .

۵ . سوره حج، آیه ۱۸؛ ر. ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۱۰ .

۶ . اسراء، آیه ۴۴ .

۷ . مبسوط، ج ۶، ص ۴۷ .

۸ . تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۳۰۷؛ مفتاح الکرامه، ج ۷، ص ۲۱۹ و ۲۲۰ .

در معارف اسلامی به موارد متعددی از درك و فهم حیوانات اشاره شده است .

يعقوب بن سالم به واسطه شخصی از ابی عبداللّٰه (ع) نقل می کند که فرمود :

مهما أبهم على البهائم من شيء فلا يبيهم عليها أربعة خصال : معرفة أنّ لها خالقاً
و معرفة طلب الرزق و معرفة الذكر من الانثى و مخافة الموت؛^۹

[زمانی که خداوند حیوانات را آفرید]، درك و شعور انسانی را به آنها عطا نمود

ولی چهار خصلت را به آنها عنایت کرد : شناخت به این که برای آنها خالق است ،

آگاهی نسبت به اینکه دنبال رزق و روزی برود ، شناخت نر از ماده و ترس از مرگ .

قريب به همین مضمون در روایت علی بن رثاب از ابی حمزه از امام سجاده (ع)^{۱۰} نقل

شده است .

در ذیل ، شرح آنها به همراه شواهدی از آیات قرآن کریم و دیگر روایات را بیان می کنیم :

۱. درك خالق و رازق

به تصریح قرآن و احادیث اهل بیت (ع) ، حیوانات ، خالق و پروردگار جهان را شناخته

و می دانند که همه امور عالم به دست اوست و خداوند است که جهان هستی را اداره

می کند و رزق و روزی همه موجودات به لطف و عنایت الهی است .

اوّلین خصلتی که در روایت یعقوب بن سالم ذکر شده ، شناخت خالق است .

همچنین علی بن رثاب از امام سجاده (ع) نقل می کند :

معرفة بالربّ تبارك و تعالی^{۱۱} ؛

از اوّلین خصلت هایی که به حیوان عطا شد شناخت او نسبت به پروردگارش است .

۹ . من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۹، ح ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۲، ب ۱۰ از ابواب احکام الدواب، ح ۱ .

۱۰ . کافی، ج ۶، ص ۵۴۷؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۸ .

۱۱ . من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۸ و در روایت یعقوب بن سالم از امام صادق (ع) ذکر شده :

«معرفة أنّ لها خالقاً» . کافی، ج ۶، ص ۵۳۹، اما در وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۲ ذکر شده :
«معرفة أنّ لها خالقاً و رازقاً» .

در تأیید همین نکته در احادیث دیگری پیرامون شناخت خالق و رازق و و حاکم بر اراده کل جهان، آمده است که امام صادق(ع) به نقل از ابوذر فرمود:
از پیامبر(ص) شنیدم که می فرمود: همه حیوانات در هر صبحگاهی از خداوند می خواهند:

اللَّهُمَّ ارزُقني مليك صدق يشبعني ويسقيني ولا يكلّفني ما لا اطيق؛^{۱۲}

بارالها به من مالک خوب و درستی عطا فرما که مرا سیر و سیراب نماید و بیش از توان از من کار نکشد.

علاوه بر شناخت خالق متعال، همه حیوانات خداوند را به عنوان تنها کسی که مستحق عبادت است می شناسند و به پرستش و مناجات با او می پردازند. در آیات متعددی از قرآن بر این مطلب تصریح شده است که به برخی اشاره می کنیم:
خداوند در سوره نور می فرماید:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْخِرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ؛^{۱۳}

آیا ندیدی تمام آنان که در آسمانها و زمینند برای خدا تسبیح می کنند، همچنین پرندگان هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده اند؟! هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می داند و خداوند به آنچه انجام می دهند دانا است.

قریب به همین مضمون در آیه ۱۸ سوره حج و آیه ۴۹ سوره نحل نیز ذکر شده است که حیوانات در برابر خداوند به خضوع برخاسته و بر آستان او سجده می کنند. در آیه ۲۳-۲۶ سوره نمل گزارش هد هد از سرزمین سبأ و انحراف آنها در پرستش خورشید و ترك خدا پرستی ذکر شده است.^{۱۴}

۱۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۹، ب ۹ از ابواب احکام الدواب، ح ۲، محمد بن علی بن الحسین یاسناذه عن ابي ذر؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۹، که در آن به جای (لا يكلّفني) (لا يحمّلني) آمده است.
۱۳. نور، آیه ۴۱.

۱۴. تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۴۳؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۵۷.

مجموعه این آیات به خوبی بر این نوع از ادراك حیوانات دلالت دارد. این امر در روایات نیز ذکر شده است و اضافه شده که هریک از آن‌ها تسبیح ویژه‌ای دارد. در پاره‌ای از روایات، همین حمد و تسبیح الهی را از علل نهی رسول الله (ص) از زدن و داغ نهادن بر حیوانات ذکر کرده است که در فصل چهارم به تفصیل آنها را بیان می‌کنیم هر چند برخی از مفسرین، تسبیح حیوانات را به تسبیح تکوینی آنها تفسیر کرده‌اند؛ به این معنا که خلقت آنها نشانه‌ای از تنزیه و تقدیس الهی است که در غایت کمال بوده و مانند مخلوقات خود، دارای نقص نمی‌باشد.^{۱۵} اما عده‌ای دیگر از مفسرین، تسبیح حیوانات را تسبیح زبانی دانسته و به تبع قول به نطق حیوانات، تسبیح به زبان را برای آنها ممکن می‌دانند.^{۱۶}

۲. درک نیکی و بدی و مسائل غیر مادی

حیوانات به خوبی، از نوع رفتاری که با آنها می‌شود آگاهند و محبت و احترام و یا بدی و بدرفتاری را درک می‌کنند. مطالبی که در ذیل مورد اول از ادراکات حیوان ذکر کردیم بر این نکته دلالت دارد. لذا از خداوند درخواست می‌کند که صاحبی درست رفتار، به او عطا کند و به قدر توان، از او کار بکشد و در رسیدگی به او کوتاهی نکند.

از جمله موارد دیگری که دلالت بر درک مسائل غیر مادی می‌کند، یکی از خصلت‌هایی است که در روایت علی بن رثاب از ابی حمزه از امام سجاده (ع) نقل کرده‌اند که ایشان فرمود:

معرفةها بالموت؛^{۱۷}

از جمله ادراکات حیوان آگاهی بر مرگ است.

آنها می‌دانند که روزی زندگی در دنیا تمام شده و مرگ فرا می‌رسد، هرچند از

۱۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۱۷-۵۱۸؛ مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۴۴.

۱۶. تفسیر ابی حمزه ثمالی، ج ۲۳۱؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۶۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۳۸؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۸۰۱.

۱۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۹.

چگونگی مردن و آن چه پس از مرگ اتفاق می افتد آگاهی ندارند، همانگونه که در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

لو عرفت البهائم من الموت ما تعرفون ما اكلتم منها سمیناً قط؛^{۱۸}

«اگر آگاهی حیوان از مرگ همانند آگاهی شما انسانها می بود هیچ یک از آنها هرگز چاق و فربه نمی شدند».

شیخ صدوق در ذیل این روایت، در صدد رفع تعارض ظاهری میان این روایت و روایت اول از علی بن رثاب بر آمده و می گوید:

مراد این است که آگاهی آنها به قدر آگاهی شما نیست.

علاوه بر اطلاع از مرگ، حیوانات چیزهایی می بینند که انسانها قادر بر دیدن آنها نیستند^{۱۹} و همین امر در برخی روایات به عنوان علت راه نرفتن حیوانات و سرباز زدن از آن ذکر شده است. لذا از زدن آنها نهی فرمودند که در فصل های آینده به تفصیل ذکر می شود.

حیوانات علاوه بر آنکه رفتار خوب و بد را نسبت به خود تشخیص داده و دارای روح و احساس هستند، نسبت به رفتاری که با سایر حیوانات نیز می شود، حساس بوده و از رفتار بد و یا کشتن آنها رنج می کشند. در همین راستا در متون روایی و فقهی ما ذکر شده است که ذبح حیوان در مقابل حیوان دیگری که این صحنه را می بیند مکروه است.^{۲۰} حتی برخی^{۲۱} به سبب اذیت شدن حیوان ناظر و عذاب کشیدن او از دیدن صحنه ذبح هم نوع خود، قول به تحریم را بعید نمی دانند که به تفصیل در بخش چهارم به ذکر آنها می پردازیم.

۱۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۸.

۱۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۰، باب ۹ از ابواب احکام الدواب، ح ۷.

۲۰. الجامع للشرائع، ص ۳۸۴، قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۱۵۵؛ جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۳۷.

۲۱. کشف اللثام، ج ۱، ص ۲۳۵ «ظاهر النهایة: التحريم، و الکراهة اولی؛ لضعف الخبر».

۱۴۶
سال ۱۲
شماره ۴۸

۳. درك جنسیت

از دیگر خصالت هایی که پروردگار حکیم به حیوان عطا کرد، درك جنسیت و تشخیص نر از ماده است. در روایت علی بن رثاب از ابی حمزه از امام سجاد(ع) ذکر شده است:

معرفة بالانثی من الذکر؛^{۲۲}

حیوان، ماده را از نر تشخیص می دهد.

۴. درك معیشت

حیوانات برخوردار از قوه ای هستند که آنها را در یافتن غذایی که نیازمند به آن می باشند، کمک می کند و آنها بر اساس این درك که در نهاد آنها به ودیعت نهاده شده، به دنبال غذای مناسب با خلقت خود می روند. در روایت یعقوب بن سالم تصریح شده که از جمله خصالت هایی که خداوند به حیوان عطا نموده همین امر است:

معرفة فی طلب الرزق؛^{۲۳}

حیوان می داند که چگونه روزی خود را بیابد.

در حدیث علی بن رثاب از امام سجاد(ع) آمده است:

معرفة بالمرعی عن الخصب؛^{۲۴}

حیوان چراگاه را در میان سبزه زار تشخیص داده و می داند کجا باید به چرا رفته و خود را سیر نماید.

علاوه بر آن چه ذکر شد، روایات و مطالب بسیاری وجود دارد که از آگاهی حیوان از محیط اطراف و شعور و درك او حکایت می کند و برخوردارای حیوانات از این مجموعه

۲۲. کافی، ج ۶، ص ۵۳۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲۳. الکافی، ج ۶، ص ۵۳۹.

۲۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۸.

ادراکات، اثبات می کند که حیوان موجود محترمی است و این اصل به عنوان یک قاعده کلی در همه مسائل، جاری و ساری می باشد و دیگر نمی توان به حیوان نگاه مالی داشت و تنها در صورت ضرر و خسران مالی برای او حرمتی قائل شد.

مطالبی که در کتب منطقی و فلسفی و تفسیری در باره مراتب علم و اراده و رستخیز حیوانات ذکر شده است می تواند مؤید این معنا باشد^{۲۵} و وضعیت آنها را از اشیاء بی جان متمایز کرده و زیر بنای حقوق حیوان به حساب آید.

بخش دوم: حقوق حیوان در حفظ و نگهداری

در اسلام پیرامون حفظ و حراست از حیوانات احکام جامعی در رسیدگی غذایی به آنها و تهیه محل مناسب برای نگهداری و رعایت اصول بهداشتی ذکر شده که در ذیل به آنها می پردازیم:

برخی از احکام و قوانین، از وظایف مالک حیوان و صاحب آن بوده و برخی دیگر، از وظایف عموم مردم می باشد و حتی به صراحت متون متعدد فقهی، مدعی العموم و حاکم شرع وظیفه رسیدگی و اقامه دعوی در جهت بهبود وضع حیوان را دارد. در ذیل به حقوق حیوان در امر تغذیه، محل زندگی، و بهداشت حیوان می پردازیم:

اول: حقوق حیوان در تغذیه:

در متون فقهی شیعه پیرامون رسیدگی غذایی به حیوان نکات جالب و بدیعی به چشم می خورد:

الف: حقوق حیوان بر مالک:

۱. وجوب رسیدگی به حیوان در آب و غذا

در حقوق اسلامی رسیدگی به حیوان، بر مالک آن واجب بوده و مالک باید به قدر نیاز

۲۵. شرح اشارات، ج ۲، ص ۳۲۲-۳۲۳ و ج ۳، ص ۳۳۴؛ مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۶۴؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۸۱؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۷۳-۷۶.

حیوان، آب و غذا در اختیار او قرار دهد.^{۲۶} همین امر موجب اثبات یک قانون کلی و جامع شده که در همه موارد صادق است و دیگر نیازی به تعیین تک تک موارد پیرامون هر حیوان نمی باشد، بلکه بسته به نوع حیوان و سن آن و بر اساس فصل های سال تغییر می یابد.

شیخ طوسی در این باره می گوید:

إذا ملک بهیمة فعلیه نفقتها، سواء كانت ممّا یؤکل لحمها او لا یؤکل لحمها؛ و

الطیر و غیر الطیر سواء؛ لان لها حرمة؛^{۲۷}

«زمانی که انسان مالک حیوانی باشد نفقه حیوان بر او واجب است، خواه حیوان

حلال گوشت باشد یا غیر آن و خواه پرنده باشد و یا غیر آن؛ زیرا حیوان برای

خود دارای حرمت و احترام است.»

علامه حلی نیز^{۲۸} بر همین مطلب تصریح دارد.

شهید ثانی (ره) در این باره اضافه می کند:

رسیدگی غذایی به حیوانی که مشرف به مرگ است نیز واجب می باشد و اگر در

این وظیفه کوتاهی کند گناهکار است.^{۲۹}

قریب همین مطالب را فقهای دیگری همچون محقق حلی در شرایع^{۳۰} و ابن سعید

حلی و فخرالمحققین و دیگران، چون صاحب جواهر ذکر می کند و فاضل هندی در این

مسأله ادعای عدم وجدان خلاف کرده است.^{۳۱}

مستند فتاوی فوق می تواند روایاتی باشد که در آنها به رسیدگی غذایی به حیوان

۲۶. الوسیله، ص ۲۸۷؛ کشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۱.

۲۷. مبسوط، ج ۶، ص ۴۷.

۲۸. قواعد الأحکام، ج ۳، ص ۳۳۲.

۲۹. الروضة البهیة، ج ۵، ص ۴۸۱: «تجب النفقة علی البهیمة بالعلف و السقی حیث تفتقر إلیهما ... و

إن كانت غیر منتفع بها أو مشرفة علی التلف فیاثم بالتقصیر فی ایصاله قدر کفایته.»

۳۰. شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۵۴؛ الجامع للشرایع، ص ۴۹۱؛ ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۲۹۰؛

جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵.

۳۱. کشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۱.

توصیه شده است همانند روایاتی که حقوق حیوان را بر صاحب آن می شمارد و^{۳۲} در بیان علت آن می گوید:

حبست ما ليس له لسان ولا يقدر على الكلام إذا جاع أو عطش فاطميه وأسقيه
والأخلى سبيله يأكل من حشائش الأرض؛^{۳۳}

حیوانی که در دست خود محبوس نمودی اگر تشنه و گرسنه شود، زبان نداشته و قادر بر سخن گفتن نیست؛ لذا او را آب و غذا بده و در غیر این صورت او را رها کن تا از گیاهان صحرا بچرد.

۲. تهیه غذا و علوفه برای حیوان

و جوب رسیدگی به حیوان، تنها محدود به وجود غذا و علوفه نیست. بلکه بر مالک آن واجب است آنها را برای حیوان تهیه نماید و در صورتی که نزد او موجود نباشد، اقدام به خریداری علوفه کند.

علامه حلی در این باره تصریح می کند:

تهیه غذای زنبور عسل و کرم ابریشم بر صاحب حیوان واجب است و اگر در نزد او غذای مملوک یا حیوانش یافت نشود و دیگری داشته باشد واجب است از او بخرد.^{۳۴}

شهید ثانی (ره) نیز می گوید:

۳۲. «الدابة على صاحبها خصال ... يبدا بعلفها إذا نزل و يعرض عليها الماء إذا مرّ به» من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ۲۸۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۸؛ همچنین در کتب: منتهی المطلب (ط. ق)، ج ۲، ص ۶۴۸؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۴ و ۳۹۵؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۳۳.

۳۳. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۰۶ باب ۴۵ از ابواب احکام الدواب فی السفر، ح ۳.

۳۴. قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۸، «في كل حیوان ذي روح كالبهائم يجب عليه القيام في نفقة النحل و دود القز، ولو لم يجدها ما ينفق على مملوكه أو على الحيوان و وجد مع غيره وجب الشراء منه» و الجامع للشرايع، ص ۴۹۱.

کرم ابریشم با برگ توت زندگی می‌کند. لذا بر مالک آن واجب است که به قدر نیاز، برگ تهیه کرده و آن را از تلف حفظ نماید و اگر برگ توت نایاب شد، حاکم، مال او را فروخته و برای کرم ابریشم به قدر نیاز برگ تهیه می‌کند. ۳۵

فاضل هندی نیز بر همین مطلب تصریح کرده و در بیان علت آن به احترام موجود دارای روح اشاره می‌کند. ۳۶

لازم به ذکر است در صورت امتناع مالک، همان تخییری که در مسئله پیشین گفتیم اینجا می‌آید؛^{۳۷} یعنی حاکم شرع موظف است مالک را مجبور به انفاق یا فروش حیوان کند.

۳. نجات جان حیوان با غضب علوفه

در حقوق اسلامی حق مالکیت و سلطنت هر فرد بر اموالش محترم است و کسی حق ندارد بدون اجازه مالک، در اموال او تصرف کند و اگر چنین کاری نماید تحت عنوان غضب رفته و حرام می‌باشد و شخص غاصب مستوجب عذاب الهی است و ضامن مال مغضوب می‌باشد.

اما رسیدگی به حیوان و نجات جان او تا بدان جا در اسلام مورد اهتمام است که غضب و تصرف در اموال دیگران برای نجات جان حیوان تجویز شده است و نکته جالب در آن، مقایسه نجات جان حیوان با نجات جان انسان است؛ یعنی همان طور که تصرف در اموال دیگران بدون اجازه مالک، برای نجات جان انسان جایز است، درباره حیوان نیز

۳۵. مسالک الافهام، ج ۸، ص ۵۰۳.

۳۶. كشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۲ (وكل حیوان ذي روح) فهو كالبهائم، فيجب عليه القيام بالنفقة (في النحل ودود القز) لحرمة الروح، فإن امتنع اجبر عليه أو على النقل عن ملكه، أو انفق عليه من ماله، أو يبيع عليه كما في البهائم سواء. (ولو لم يجد ما ينفق على مملوكه أو على الحيوان ووجد) ذلك (مع غيره وجب الشراء منه) - إن أبقى ملكه عليهما - ولو في الذمة إن لم يحضره الثمن. «

۳۷. جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۳۹۷.

همین امر صادق است. البته این حکم منحصر به مواردی است که راه دیگری برای تهیه علفه برای حیوان وجود نداشته باشد.

در این باره علامه حلی (ره) آورده است:

إن امتنع الغير من البيع كان له قهرة و أخذ منه غضباً إذا لم يجد غيره كما يجبر علی

الطعام لنفسه. ۳۸.

اگر مالک حیوان، آذوقه نداشته باشد و تنها نزد شخصی یافت شود که از فروش آن امتناع می ورزد، مالک می تواند او را اجبار نموده و با غضب، آذوقه حیوان را همانند تهیه غذا برای حفظ جان خود تهیه کند.

شهید ثانی (ره) ۳۹ نیز به همین مسئله اشاره کرده و به حکم ضمان مقدار علفه ای که می گیرد تصریح می نماید.

فاضل هندی (ره) در بیان علت این حکم می گوید:

برای اینکه انسان و حیوان در احترام روح و لزوم نفی ضرر مشترکند.

و در ادامه می افزاید:

در صورت امکان، احتیاط در آن است که به حاکم رجوع کرده و خودش اقدام

ننماید. ۴۰

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴. تقدم جان حیوان بر وضو جامع علوم انسانی

اهمیت نماز در اسلام بر کسی پوشیده نیست و لازم است انسان، خود را برای نماز از

۳۸. قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۸. همچنین در الجامع للشرائع، ص ۴۹۱ و جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۶.

۳۹. مسالک الافهام، ج ۸، ص ۵۰۳. «با غضب، آذوقه را تهیه نموده و مثل یا قیمت آن را ضامن است».

۴۰. كشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۲ (فإن امتنع الغير من البيع كان له قهرة) علیه (واخذ) منه غضباً (إذا لم يجد غيره) ولم تشتد حاجته إليه لنفسه أو مملوكه من إنسان أو غيره، ... (كما يجبر علی الطعام لنفسه) للإشتراك في حرمة الروح ونفي الضرر والأحوط التوصل إلى الحاكم مع الإمكان، وأنه إن أمكن البيع منه باع إن لم يحتج إليه ولو للشرف. »

هر جهت آماده کند و آن را با شرایط واجبش که از جمله آن، طهارت و وضو داشتن است به جای آورد. لذا حتی اگر هنوز وقت نماز نرسیده است، اما می داند که هنگام دخول وقت، دیگر آبی برای وضو گرفتن پیدا نمی شود واجب است آبی را که در اختیار دارد برای وضو نگه دارد و آن را به مصرف دیگری نرساند.

اما حفظ و نگهداری حیوان تا بدان جا تأکید شده که اگر شخصی مقداری آب در اختیار دارد و حیوان یا حیوانات او تشنه هستند، باید آب را به آنها بدهد، چند برای وضو آبی باقی نماند و مجبور به تیمم شود. شهید ثانی در این باره می گوید:

شرط التيمم خوف العطش حاصل أو متوقع في زمان لا يحصل فيه الماء عادة أو بقرائن الاحوال لنفس محترمة ولو حيواناً؛^{۴۱}
از شرایط جواز تیمم، ترس از عطشی است که برای نفس محترمه ای - گرچه حیوان باشد - به وجود آمده و یا انتظار می رود به طور معمول و یا بر اساس قرائن و شواهدی، به وجود آید و در آنجا آبی یافت نشود.

علامه حلی^{۴۲} و فقهای دیگر نیز به این مسئله تصریح نموده اند و برای حفظ جان حیوان، حکم به جواز داده اند. البته برخی از فقها مانند محقق حلی^{۴۳} و صاحب مدارک^{۴۴} و محدث بحرانی^{۴۵} در وجه جواز تیمم اشکال نموده و آن را از باب «حفظ نفس محترمه» ندانسته، بلکه از باب حفظ مال به حساب آورده اند و جواز تیمم را مبتنی بر نیاز به حیوان و دفع ضرر مالی کرده اند. اما صاحب جواهر به آن اشکال کرده و آن را مخالف اطلاق عبارات فقها می داند و در تعریض به این نظر می گوید:

۴۱. الروضة البهيّة بتعليقه كلانتر، ج ۱، ص ۴۴۸.
۴۲. منتهى المطلب، ج ۱، ص ۱۳۵؛ تذكرة الفقهاء، ج ۱، ص ۶۱.
۴۳. المعتبر في شرح المختصر، ج ۱، ص ۳۶۸.
۴۴. مدارك الاحكام، ج ۲، ص ۱۹۵.
۴۵. الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۲۹۰ (الخوف على الدواب خوف على المال).

عده‌ای از علماء در بیان جواز تیمم، تنها به خوف عطش حیوانی که دارای حرمت است، اشاره کرده و آن را مطلق ذکر کرده‌اند و جواز را به فرض لزوم ضرر از تلف حیوان مقید نمودند.^{۴۶}

لذا ایشان در وجه این حکم، احترام حیوان را از باب مال محترم نمی‌داند، بلکه آن را از باب حرمت حیوان ذی‌الروح می‌داند و در بیان علت آن آورده است:

قد يقال إنَّها نفوس محترمة و ذوات أكباد حارة مع حرمة إيدائها بمثل ذلك، بل هي واجبة النفقة عليه التي منها السقي، بل في غير واحد من الأخبار المعتبرة: «أنَّ للذَّابة على صاحبها حقراً منها ان يبدء بعلفها إذا نزل» فتحترم لذلك لا من جهة المالية؛^{۴۷}

چه بسا گفته می‌شود حیوانات دارای نفس محترمه‌ای می‌باشند و صاحب جگرهای تشنه هستند که باید سیرایشان کرد. همچنین اذیت کردنشان به وسیله تشنه نگه داشتن آنها حرام است. بلکه نفقه حیوان بر مالک واجب است که یکی از آنها سیراب کردنشان است. در احادیث متعدّد و معتبری نیز آمده است: «حیوان بر صاحبش حقوقی دارد که از جمله آنها رسیدگی به آب و غذای حیوان قبل از خودش است». به سبب دلایل مذکور، حیوان دارای احترام است و اگر امر بین وضو و رفع تشنگی حیوان دائر شود، باید آب را به حیوان داد و تیمم نمود، نه اینکه حکم به تیمم از جهت حفظ مال باشد.

۴۶. جواهر الکلام، ج ۵، ۱۱۵. «أنه أطلق غير واحد من الأصحاب (دأبته المحترمة) من غير تقييد بضرر تلفها...».

۴۷. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۱۱۵. همچنین در غنائم الأيام (میرزا القمی)، ج ۱، ص ۳۳۰ آمده است: «والحق جماعة منهم الدواب المحترمة، فإنَّه خوف على المال ولا يقاس على وجوب الشراء، ولذلك يجوز إعطاؤها في ثمن الماء وربما يحتمل وجوب الذبح، و صرف الماء، وهو بعيد، سيما فيما يكون (الذبح فيه) إضاعة من جهة التضييع، ومن جهة الإشكال في إيلام الحيوان، ولم تثبت الرخصة في الذبح بهذا المقدار وفي حيوان الغير إشكال، ولطف الله العام ورافته الشاملة تقتضي ذلك، لأن لكل كبد حرّى حقاً».

صاحب جواهر بعد از ذکر چند حدیث ادامه می دهند:

همچنین روایات دیگری نیز می گویند به سبب احترامی که حیوان دارد، باید با آن با کمال رافت و مهربانی رفتار کرد. البته بله در صورتی که ذبح آن ضرری نداشته باشد و بتوان از گوشت و پوست آن استفاده کرد. می توان قائل به وجوب ذبح شد [تا حیوان از تشنگی عذاب نکشد و زجر کش نشود و آب را در وضو مصرف کرد].^{۴۸}

عده ای از فقها، چون شهید ثانی و فاضل هندی^{۴۹} تصریح می کنند که در تقدّم حیوان بر وضو فرقی بین تشنگی حیوان خودش و حیوان دیگری نیست هر چند علامه حلی (ره) در آن اشکال کرده اند.^{۵۰}

در همین راستا شهید ثانی (ره) آورده اند:

همانطور که بذل مال برای زنده ماندن انسان واجب می باشد، برای بقای حیوانی که دارای احترام است نیز واجب است، گرچه ملک دیگران باشد. اما بذل مال برای کافر و سگ هار واجب نیست.

ایشان در ادامه این مسئله را مطرح می کنند که اگر میان دو حیوان، مثل سگ و گوسفند تعارض پیش بیاید و آب و غذا برای رفع تشنگی هر دو کافی نباشد کدام مقدم است که شهید ثانی گوسفند را مقدم داشته است،^{۵۱} ولی صاحب جواهر به موجب امکان ذبح گوسفند و بهره برداری از گوشت آن در تقدّم گوسفند اشکال می کند.^{۵۲}

۴۸. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۱۱۵.

۴۹. مسالک الافهام، ج ۱، ص ۱۱۲؛ کشف اللثام، ج ۲، ص ۴۴۱؛ «ثمّ الحيوان الذي له حرمة يعمّ حيوانه وحيوان غيره».

۵۰. منتهی المطلب، ج ۱، ص ۱۳۵.

۵۱. مسالک الافهام، ج ۱۲، ص ۱۲۰؛ می گوید: «كما يجب بذل المال لإبقاء الأدمي يجب البذل لإبقاء البهيمة المحترمة وإن كانت ملكاً للغير، ولا يجب البذل للحربي والكلب العقور ولو كان للإنسان كلب غير عقور جائع وشاة فعليه إطعام الشاة».

۵۲. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۳۶.

در تأیید این نظریه که جواز تیمم از باب حفظ نفس محترمه است، می‌توان به مجموعه روایات و فتاویٰ فقها استدلال کرد که رسیدگی غذایی به حیوان، واجب و یا مستحب است که بخشی از آنها ذکر گردیده و بخشی دیگر در صفحات آینده ذکر می‌شود. مجموعه این مطالب مقید به ضرر مالی نیست، بلکه به موجب حرمت حیوان، این وظایف بر عهده مالک و غیر او قرار داده شده است.

ب: حقوق حیوان بر عموم مردم

برخی وظایف، مربوط به حکومت و مدعی العموم است و برخی دیگر از وظایف برای عموم مردم می‌باشد.

۱. وظیفه حاکم شرع و اجبار مالک در رسیدگی به حیوان

در نظام سیاسی اسلام حکومت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اسلام برای اجرای درست و فراگیر احکام، وظایفی را بر عهده دولت اسلامی قرار داده است و حکومت با نظارت مراجع ذی صلاح به اعمال آنها مبادرت می‌کند. پاره‌ای از این وظایف بر عهده حاکم شرع می‌باشد که باید بر وضعیت زندگی حیوان نظارت کند تا به قدر نیاز او آب و علوفه و سایر مواردی که مورد نیاز او است در اختیار حیوان قرار گیرد.

اهمیت این نکته از این جا روشن می‌شود که امروزه بر اساس قوانین، بخشی از دولت مانند سازمان محیط زیست و در مواردی وزارت بهداشت و اداره دامپرووری بر وضعیت حیوانات در مناطق مختلف و شکار آنها در جنگل‌ها، وضعیت دام در دام‌داری‌ها و مرغ‌داری‌ها و ... نظارت می‌کنند و بر اساس ضوابط مشخص با تخلقات برخورد کرده و متصدیان امر را مجبور می‌کنند تا شرایط مساعد را از نظر غذایی و مکانی و بهداشتی برای حیوانات به وجود آورند. با فتاویٰ فقها که در این باره ذکر می‌شود مستند این قوانین و مشروعیات آنها به خوبی روشن می‌شود. لذا نمی‌توان این قوانین را صرفاً حکم حکومتی و بر اساس مصالح روز دانست، بلکه از احکام اولیه اسلامی است.

در این باره شیخ طوسی^{۵۳} و علامه در قواعد الأحكام ذکر می کند:

لو امتنع من الإنفاق فإن كانت مما يقع عليه الذكاة أجبر على علفها أو بيعها أو تذكيتها فإن لم يفعل باع الحاكم عليه عقاره فيه . فان لم يكن له ملك أو كان بيع الدابة أنفع بيعت عليه و لو لم يقع عليه الذكاة أجبر على الإنفاق أو البيع و هل يجبر على الإنفاق في غير المأكولة اللحم مما يقع عليه الذكاة للجلد أو عليه الإنفاق أو على تذكية؟ الأقرب: الثاني^{۵۴}؛

اگر صاحب حیوان از انفاق بر آن امتناع ورزد، حیوان حلال گوشت بوده و قابل تذکیه باشد، حاکم او را بر یکی از این سه کار اجبار می کند: ۱. انفاق و رسیدگی به حیوان، ۲. فروش آن به دیگری، ۳. ذبح و تذکیه آن تا از گوشت آن استفاده شود.

و اگر از انجام این موارد سر باز زد، حاکم زمین و یا شیء دیگر او را فروخته و برای حیوانش هزینه می کند و اگر ملکی نداشت که قابل فروش باشد و یا فروش حیوان بهتر باشد، آن را به فروش می رساند.

و اگر حیوانی است که حلال گوشت نبوده و قابل تذکیه هم نیست، مجبور به انفاق یا فروش می شود.

اما در حیوانی که حلال گوشت نبوده اما قابل ذبح شرعی و تذکیه می باشد و مثلاً می توان از پوست آن استفاده کرد، دو نظر مطرح است که تنها اجبار بر انفاق می شود و یا او را مخیر بین انفاق و تذکیه می کنند که نظر دوم نزدیکتر به واقع است.

۵۳. المبسوط، ج ۶، ص ۴۷.

۵۴. قواعد الأحكام، ج ۲، ص ۱۱۸. همچنین در: الوسيلة، ص ۸۷؛ مهذب الأحكام، ج ۲، ص ۳۵۴، «لا يجوز حبس شيء من ذلك من غير أن يعلفه ولا يقوم به ولا يطلقه للرعي وما أشبهه ذلك فإن فعل ذلك أجبره الحاكم على أحد ما ذكرنا أنه مخير». همچنین در شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۵۴ و الجامع الشرائع، ص ۴۹۱؛ كشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۱-۶۱۲؛ جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵.

محقق نجفی (ره) در این فرض می گوید:

اگر فروش بهتر باشد، آن را به فروش می گذارد... و یا با فروش بعضی از حیوانات در هر روز پول غذای بقیه را تهیه می کند و اگر اجازه حیوان ممکن باشد و برای مالک هم بهتر باشد، آن را اجازه داده و پولش را برای حیوان مصرف می کند. ۵۵

در مواردی که تخییر بین سه مورد وجود داشت، در صورت امکان، هر سه واجب است و گرنه تنها، فرد ممکن واجب می باشد.

۲. وجوب کفایی رسیدگی به حیوان

در متون فقهی تصریح شده است که رسیدگی به حیوان و نجات او از هلاکت، از واجبات کفایی است که بر عموم مردم لازم است در صورت امکان اقدام کنند. ۵۶ بر این اساس در بحث وصیت، اگر دو نفر با هم وصی میّت شده باشند باید تصرفات این دو در اموال میّت به صورت مشترک انجام پذیرد و هر یک از آن دو حق تصرف به صورت انفرادی را نداشته و اگر تصرف نمایند نافذ نمی باشد. از این مسأله مواردی که اقدام به آنها ضروری و واجب کفایی است استثنا شده است که از جمله آنها خرید غذا برای حیوانات بر جای مانده از میّت است که در این صورت اقدام انفرادی هر یک از دو وصی جایز، بلکه واجب است. ۵۷

۵۵. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵-۳۹۶.

۵۶. مسالک الافهام، ج ۶، ص ۲۵۱: «لأن الموصي لم يرض برأيه منفرداً، فيكون تصرفه بغير إذن كتصرف الأجنبي واستثنى المصنف وجماعته منه ما تدعو الحاجة إليه، ولا يمكن تأخيرها إلى وقت الاتفاق، من نفقة التيمم والرقيق والدواب»، ومثله شراء كفن الميت وزاد بعضهم قضاء ديونه، وإنقاذ وصية معينة».

جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۴۳۱: «كلّ حال فمحلّ التردد أو المنع غير ما يضطرّ إليه الاطفال والدواب وحفظ المال المشرف على التلف ونحو ذلك ممّا هو واجب على الناس كفاية».

۵۷. مسالک الافهام، ج ۶، ص ۲۶۶. در این باره شهید ثانی (ره) می آورد: «ویستنی من موضع الخلاف ما يضطرّ إليه الاطفال والدواب من المؤنة وصيانة المال المشرف على التلف، فإن ذلك ونحوه واجب على الكفاية على جميع المسلمين فضلاً عن العدول منهم».

البته برخی از فقها تصرف هر یک از دو وصی را منوط به اطلاع و اذن حاکم نمودند.^{۵۸} در مسأله ملکیت بئر (چاه) و سلطنت بر آب آن، از شیخ طوسی نقل شده که ایشان بر مالک چاه واجب دانسته‌اند که زاید از نیاز خویش و مزرعه و حیواناتش را بدون گرفتن مبلغی در اختیار دیگران قرار دهد تا به مصرف خود و حیواناتشان برسانند، اما برای آبیاری مزرعه و درختان چنین نیست؛ نکته تفاوت در حرمتی است که حیوان به سبب ذی روح بودن از آن برخوردار است.^{۵۹}

از همین جا و جوب رسیدگی به حیوان بی سرپرست که در صحرا رها شده و توان حفظ و دفاع از خود را ندارد روشن می‌شود؛ لذا فقها^{۶۰} بر لزوم رسیدگی بر آن تأکید کرده‌اند.

۳. وجوب رسیدگی به حیوان حتی با نهدی مالک آن

لزوم رسیدگی به حیوان و نجات جان او تا بدان جا در فقه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است که حتی نهدی مالک حیوان نیز این لزوم را ساقط نمی‌کند؛ لذا اگر مالک، دیگران را از آب و علوفه دادن به حیوانش نهدی کرد، بر سایرین که به حیوان دسترسی دارند واجب است به حیوان آب و غذا دهند تا تلف نشود.

در این باره شهید ثانی در بحث ودیعه، پیرامون حیوانی که نزد شخصی امانت گذاشته می‌شود آورده‌اند:

اگر شخص امین (وَدَعَى) به قدر نیاز متعارف به حیوان آب و علوفه نهد، ضامن است و لازم است به قدر متعارف و معمول امثال این حیوان، به آن آب و علوفه دهد و اگر صاحب مال از رسیدگی به حیوان و حفظ آن نهدی کند اقوی این است

۵۸. الدرر السعیه، ج ۲، ص ۳۲۳.

۵۹. التحفة السنیه (مخطوط)، ص ۲۴۶: «الشیخ أنه أوجب علی مالک البئر والعین بذل الفاضل عن حاجته لشربه و شرب ماشیته و زرعه بغیر عوض لمن یحتاج إلیه لشربه و شرب ماشیته لا لسقی الزرع و الشجر و نحوه و الفرق ان الحیوان محترم لروحه بخلاف غیره».

۶۰. الروضة البهیة، ج ۷، ص ۹۰؛ مناسک حج (امام خمینی با حواشی مراجع)، ص ۱۵۳.

که امین، ضامن قیمت آن نمی باشد؛ زیرا حفظ مال بر مالک آن واجب است نه بر دیگری. البته در حیوان، رسیدگی به آب و غذای آن واجب است، خواه مالک نهی کرده باشد و خواه نکرده باشد؛ زیرا حیوان دارای روح بوده و از احترام برخوردار است، اما در صورت نهی مالک، دیگر ضامن نیست.^{۶۱}

پس در مسأله فوق با نهی مالک حکم تکلیفی و جوب رسیدگی به حیوان بر جای خود باقی است، ولی حکم وضعی ضمان ساقط می شود.

۴. جواز وقف مال برای غذای حیوانات

از جمله مواردی که در فقه شیعه به آن اشاره شده و جالب توجه است، جواز وقف برای حیوان است.

در جای خود روشن است که متعلق وقف باید امر راجح و پسندیده باشد و اگر شخصی نیت کند که مالی را برای کاری که مرضی خداوند نیست وقف نماید، وقف او صحیح نمی باشد. حال با توجه به مستندات^{۶۲} که تا کنون درباره جوب و یا استحباب رسیدگی به حیوان ذکر کردیم و آن چه در ادامه ذکر می شود، جواز وقف اموال در جهت رسیدگی به حیوانات روشن می شود. علاوه بر آنکه برخی از فقهای بزرگ، بر صحت این وقف تصریح کرده اند، همانند علامه حلی که پس از اشاره به جواز وقف برای خدمت به کعبه و مرقد شریف پیامبر (ص) و سایر ائمه (ع)، حکم به جواز وقف برای علف دابه در راه خدا می کند.^{۶۲}

۶۱. الروضة البهية، ج ۴، ص ۲۴۵ و ۴۴۶.

۶۲. تذكرة الفقهاء (ط. ق)، ج ۲، ص ۴۳۰: «ولو وقف على الارقاء الموقوفين على خدمة الكعبة او المشهد او قبر رسول الله صلى الله عليه وآله او أحد قبور الأئمة (ع) او قبر بعض الصلحاء فالأقرب الجواز وهو أصح وجهي الشافعية كالوقف على علف الدواب في سبيل الله ولو وقف على دار وحانوت قال بعض الشافعية: لا يصح إلا أن يقول وقتت على هذه الدار على أن ياكل فوايد الوقف طارقوا الدار فيصح على أظهر الوجهين عندهم».

۵. استحباب آب و غذا دادن به حیوان

پیرامون رسیدگی به حیوان، احادیث بسیاری به دست ما رسیده که مجموع آنها بر استحباب این عمل تأکید داشته و آن را کار پسندیده‌ای به حساب می‌آورند که برخوردار از اجر اخروی نیز می‌باشد.

شیخ طوسی^{۶۳} و دیگر فقها چون صاحب جواهر^{۶۴} در کتابشان ذکر کرده‌اند که:

پیامبر اکرم (ص) در ضمن بیان مشاهدات خود از بهشت در شب معراج می‌فرمایند:

زن بدکاره‌ای را در آنجا دیدم و در باره او سؤال کردم؛ پاسخ داده شد: او زنی

است که در راه به سگ بسیار تشنه‌ای برخورد کرد و لباس خود را در چاه فرو برده

و در حلق او چکاند و بدین وسیله تشنگی سگ را برطرف ساخت؛ و برای این

کارش خداوند او را آمرزید.^{۶۵}

در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است:

انَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحِبُّ إِبرَادَ الكَبِدِ الحَرِيِّ وَ من سقى كَبِدًا حَرِيًّا من بهيمة و

غيرها اظله الله يوم لا ظلَّ إلا ظله؛^{۶۶}

خداوند تبارک و تعالی سیراب کردن جگر هر تشنه‌ای را دوست دارد و هر که

جگر تشنه‌ای را سیراب کند - خواه حیوان باشد و خواه غیر آن - خداوند او را در

روز قیامت در زیر سایه (رحمت) خود قرار می‌دهد.

فصل دوم: حقوق حیوان در مکان

از جمله حقوق حیوان در حفظ و نگهداری، برخورداری از مکان مناسب می‌باشد.

بر مالک حیوان واجب است مکانی شایسته و مناسب با حیوان و برابر با عرف زمان و مکان

برای حیوان تهیه کند.

۶۳. مبسوط، ج ۶، ص ۴۷.

۶۴. کشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۱؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵.

۶۵. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۶۵.

۶۶. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۹، باب ۱۹ از ابواب صدقه، ح ۲.

شهید ثانی در این باره می گوید:

تجب النفقة ... والمكان من مراح واصطبل يليق بحالها وإن كانت (البهية) غير
متنفع بها أو مشرفة على التلف؛^{۶۷}

بر مالک واجب است مکانی شایسته و مناسب با حیوان از قبیل طویله و اصطبل،
برایش فراهم آورد گرچه از حیوان استفاده نکرده و یا مشرف به مرگ باشد.

همچنین در جواهر الکلام ذکر شده است:

الواجب، القيام بما تحتاج اليه من مكان مما يختلف باختلاف الأزمنة
والامكنة؛^{۶۸}

تهیه نیازمندی های حیوان، همچون محل استراحت که در زمان ها و مکان های
مختلف تغییر می کند، واجب است.

جالب توجه است که در رسیدگی به حیوان، در نظر گرفتن عرف، به حسب زمان و
مکان لحاظ شده است.

بسی روشن است فروعی که در بخش حقوق حیوان در تغذیه، مانند صورت امتناع
مالک و اجبار از طرف حاکم و وجوب خرید نیازمندی حیوان و غیر آن که در ذیل این قانون
کلی ذکر کردیم، در بحث «مکان» نیز می آید.

پرونده: ماهنامه علمی و مطالعات فریبی

فصل سوم: بهداشت حیوان

علاوه بر وجوب رسیدگی به اصل غذا و مکان زندگی حیوان، رعایت اصول بهداشتی
پیرامون غذا و محل زندگی و بدن حیوان نیز در روایات اهل بیت (ع) مورد تأکید واقع شده
است. در کتب فقهی، تهیه دارویی را که سلامت حیوان بر آن متوقف است را از موارد
وجوب نفقه شمرده اند.^{۶۹}

۶۷. الروضة البهية، ج ۵، ص ۴۸۱ و ۴۸۲.

۶۸. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵.

۶۹. مسالک الافهام، ج ۵، ص ۸۸؛ الحدائق الناضرة، ج ۲۱، ص ۴۱۷.

۱. عبدالله بن سنان در حدیثی درباره گوسفند از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود:

نظفوا مرائبها و امسحوا رغامها؛^{۷۰}

آغل گوسفندان را تمیز کنید و آب بینی صورتشان را پاک نمایید.

علامه مجلسی می گوید همین روایت در اکثر نسخه های کافی با لفظ «رغامها» ذکر شده است. «رغام» به معنای خاک می باشد که در این صورت معنای حدیث اینگونه می شود:

گرد و خاک را از آنها پاک کنید و ظاهرشان را مرتب کنید.^{۷۱}

لذا ایشان در کتاب حلیة المتقین می آورد:

خوابگاه گوسفند را پاکیزه و خاک را از بدنشان پاک کنید.^{۷۲}

۲. پیرامون رعایت بهداشت آذوقه حیوان نیز از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است:

قال سمعت رسول الله و يقول: من نقى شعيراً لفرسه ثم فام به حتى يعلفه عليه

كتب الله بكل شعيرة حسنة؛^{۷۳}

خدای متعال به کسی که جوی را که می خواهد به اسبش دهد پاک کند و سپس

به او خورانده و حیوان را سیر کند؛ برای هر دانه جوی که تمیز کرده است،

حسنه ای می دهد.

۳. همچنین در کتب متعدد فقهی^{۷۴} بر کراهت دادن خمر و یا سایر مسکرات به حیوان

تصریح شده است. محقق اردبیلی در میان وجوهی که برای این حکم ذکر می کند مضراً

بودن شراب برای حیوان را احتمال داده است.^{۷۵}

۷۰. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۸، باب ۲۹ از ابواب احکام الدواب، ح ۳؛ الکافی، ج ۶، ص ۵۴۴.

۷۱. بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۱۵۰.

۷۲. حلیة المتقین، ص ۲۰۸.

۷۳. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۷۷.

۷۴. النهایة، ص ۵۹۲، «ویکره ان یسقی شیء من الدواب والبهائم الخمر أو المسکر»؛ السرائر، ج ۳،

ص ۱۳۲؛ شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۷۵؛ قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۳۳.

۷۵. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۱، ص ۲۸۳.

بخش سوم: استفاده بهینه و بهره برداری

انسانها در زمان باستان پس از پشت سر گذاشتن دوران اوکلیه به راز و رمز رام کردن حیوانات و استفاده از آنها دست یافتند و از آن پس حیوانات را در اختیار گرفتند و از آنها در شکار و کشاورزی و جنگ و غیر آن استفاده کردند.

اسلام در بهره برداری و استفاده از حیوان، احکامی مطابق با عدالت و به دور از افراط و تفریط وضع کرده است و با رعایت حق تقدّم حیات بشری و قوام نظام اجتماعی، استفاده از حیوان را جایز می داند. خداوند در سوره غافر می فرماید:

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْاَنْعَامَ لِتَرْكَبُوهَا وَ مِنْهَا تَاْكُلُوْنَ؛^{۷۶}

خداوند کسی است که چهار پایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید.

همچنین در سوره نحل به خلقت آنها برای استفاده انسان ها اشاره نموده،^{۷۷} ولسی رعایت کامل حقوق حیوان را لازم شمرده و بهره برداری بی حدّ و مرز را تجویز نمی کند. در ذیل، مسائلی پیرامون استفاده بهینه از حیوان ذکر می شود:

۱. لزوم رعایت توان و طاقت حیوان

الف: باید آنچه در معاملات مورد معاوضه قرار می گیرد معلوم و مشخص باشد تا ضرر و زیان متوجه طرفین نشود. این قانون در عقد اجاره نیز جاری است. لذا از شرایط اجاره، معلومیت منافی است که به واسطه عقد اجاره قرار است به دیگری منتقل گردد؛ اما در اجاره زمین و سایر اشیاء می توان آنها را برای استفاده از همه منافع اجاره داد و نامی از منفعت به خصوصی به میان نیاورد. همچنین می توان به هر صورتی که مستأجر می خواهد از آنها استفاده نماید تصریح کرد که در این صورت به طور طبیعی، اجاره آن

۷۶. غافر، آیه ۷۹.

۷۷. نحل، آیه ۵.

زمین بیشتر از صورت تعیین منفعت خاص می باشد و مستأجر می تواند زمین را برای هر کار و یا زراعتی که بخواهد به کار گیرد، هر چند آن زراعت مضر به زمین باشد و مواد معدنی آن را مستهلک نماید. اما اجاره حیوان به این صورت صحیح نیست و نمی توان حیوان را در منفعت مضر به او اجاره داد و یا نوع منفعت را تعیین نکرد و به اختیار مستأجر واگذار کرد بلکه باید منفعت تصریح و مشخص گردد و مضر به حیوان نباشد.

علامه حلی در بیان علت این حکم آورده است:

لا يجوز اجارة الحيوان لما اكثر ضرراً و ركاباً...؛ لان للحيوان حرمة في نفسه؛^{۷۸}

زیرا حیوان برای خود احترامی داشته که باید در استفاده از آن رعایت شود.

لذا اجاره حیوان در منافی که به نحوی به او ضرر رساننده و بیش از توان حیوان بوده و سبب اذیت آن گردد، صحیح نیست و مالک نیز نمی تواند حیوان را در این موارد به کار گیرد.

ب: از دیگر موارد پیرامون رعایت توان حیوان، بارکشی و سواری با آن است^{۷۹} که محقق نجفی می گوید:

لا يكلفها ما لا يطيق من ثقل الحمل و ادامة السفر و لذا نهى عن إرتداف ثلاثة عليها، بل و كذا الشاقّ عليها المنافي للعادة؛^{۸۰}

به کارگیری حیوان در بیش از طاقت او همانند حمل بار سنگین و یا سفر طولانی جایز نیست لذا از اینکه سه نفر بر حیوان سوار شوند نهی شده است، بلکه از کارهای سخت و دشواری که بر خلاف عرف و عادت باشد نیز نهی شده است.

همچنین این مطلب در ضمن روایتی پیرامون حقوق حیوان بر صاحبش ذکر شده

است:

۷۸. تذكرة الفقهاء، ج ۲، ص ۳۰۷ و همچنین مفتاح الكرامه، ج ۷، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.

۷۹. كشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۳؛ العروة الوثقى، ج ۴، ص ۳۳۳.

۸۰. جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۳۹۷؛ وسائل الشیعه، باب ۱۹ از ابواب احکام الدواب، ح ۳.

التوفلي عن السكوني عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آباه عن علي بن أبي طالب
 -عليهم السلام- قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - للدابة على
 صاحبها خصال ست: منها ولا يحملها فوق طاقتها ولا يكلفها من المشي إلا ما
 تطيق؛^{۸۱}

بیش از طاقت و توانایی حیوان بر او باری حمل نکند و حیوان را به پیمودن راه و
 مسیری که از طاقت او خارج است وادار نسازد.

در حدیثی دیگر آمده که یکی از سه نفری که با هم بر حیوان سوار شدند ملعون
 می باشد.^{۸۲}

ج: در ضمن حدیثی پیرامون حقوق حیوان ذکر شده است:

ولا يقف على ظهرها إلا في سبيل الله عز وجل،^{۸۳}

بر پشت حیوان به مدت طولانی نایستد، مگر در راه خدا.

و یا

آن را کرسی و محل استراحت و منبر سخنرانی خود قرار ندهید.^{۸۴}

و از امام صادق (ع) در مورد کسی که با خسته کردن بیش از حد چارپایان بر سرعتشان

می افزود تا زودتر به مقصد برسد نقل شده:

نماز چنین شخصی مورد قبول نیست^{۸۵}. همچنین حج او مورد پذیرش

نمی باشد.^{۸۶}

۸۱. بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۲۰۱؛ منتهی المطلب (ط. ق)، ج ۲، ص ۶۴۸.

۸۲. الکافی، ج ۶، ص ۵۴۱.

۸۳. الکافی، ج ۶، ص ۵۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۲۰۱.

۸۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۷.

۸۵. همان، ص ۲۹۲.

۸۶. بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۱۲؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲. لزوم رعایت سلامت و بهداشت حیوان در بهره برداری

هر چند پروردگار حکیم برخی از حیوانات را برای استفاده انسان خلق کرد و آن را در خدمت انسان قرار داد، اما به انسان اجازه بهره کشی های خود خواهانه و جاه طلبانه که سلامت حیوان را در معرض خطر قرار می دهد، نداده است.

۱: تقدم سلامت حیوان بر بهره برداری: سلامت حیوان بر بهره برداری انسان مقدم است و مالک حیوان تا جایی حق استفاده از حیوان را دارد که سلامت حیوان به خطر نیفتد. این حکم از سوی عده ای از فقهاء مورد تاکید قرار گرفته است و در کتابهای قواعد الاحکام و روضة البهیة^{۸۷} به آن اشاره شده است. محقق نجفی در این باره می گوید:

لو كان اخذ اللبن مضرًا بالدابة نفسها لقلّة العلف لم يجز له اخذه و ان لم يضر بولدها بل يسقيها إياه. نعم يكره له و يحرم ترك الحلب مع عدم الاضرار بها بولدها لما فيه من تضييع المال و لكن لا يستقصى في الحلب، بل يبقى في الضرع شيء؛ لأنها تتأذى بذلك؛^{۸۸}

اگر دوشیدن شیر به علت کمبود علوفه و آذوقه برای خود حیوان ضرر داشته باشد، دوشیدن آن جایز نیست. گرچه برای فرزند آن ضرر نداشته باشد و به اندازه نیاز او شیر موجود باشد. بلکه اگر برای حیوان و بچه آن ضرری نداشته باشد، ندوشیدن آن مکروه یا حرام است؛ زیرا تضييع مال به حساب می آید. البته همه شیر را ندوشد و مقداری در پستان باقی گذارد؛ زیرا دوشیدن تمام شیر سبب اذیت حیوان می شود.

در همین راستا رعایت حق نوزاد حیوان نیز مورد تاکید قرار گرفته است و تغذیه او بر استفاده صاحب حیوان مقدم می باشد. در تغذیه نوزاد، تنها قدر سدجوع و زنده ماندن او - آن گونه که علمای اهل سنت می گویند - معیار نیست بلکه نوزاد باید سیر شود و اگر چیزی از شیر حیوان مادر، زیاد آمد صاحبش می تواند استفاده کند.^{۸۹}

۸۷. قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۸؛ الروضة البهیة، ج ۵، ص ۴۸۶.

۸۸. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۷.

۸۹. مبسوط، ج ۱، ص ۳۹۱؛ قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۸؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۷.

ب: در «حج قران» که حاجی از ابتدای احرام، قربانی را به همراه داشته و به منی می برد می تواند از شیر آن بدو شد و از آن استفاده نماید. اما در این جا نیز استفاده از شیر به مقداری که به حیوان یا فرزند آن ضرری نرسد مقید شده است. همچنین اگر قربانی، شتر باشد می تواند با رعایت توان و طاقتش بر آن سوار شود.^{۹۰}

ج: در آداب دوشیدن شیر حیوان ذکر شده است:

يستحب له ان يقصّ اظفاره تحرّزاً من ايدائها بالقرص؛^{۹۱}

مستحب است (برای دوشیدن شیر) ناخن را کوتاه کند تا سبب آزار و اذیت حیوان نگردد.

۳. لزوم تهیه و سایلی که برای استفاده از حیوان نیاز است

شهید ثانی در بحث و جوب نفقه حیوان تصریح می کند:

و مثله ما تحتاج إليه البهيمة مطلقاً من الآلات حيث يستعملها (الانسان) أو لاجل

دفع البرد و غيره حيث يحتاج إليه؛^{۹۲}

همانند سایر موارد و جوب نفقه، تهیه همه و سایلی که برای استفاده از حیوان نیاز

است واجب می باشد. همچنین باید در صورت نیاز، «زین و پالان» را برای

حفظ حیوان از سرما و غیر آن فراهم آورد.

۴. استفاده از گوشت حیوان

از آنجا که قوانین اسلامی مبتنی بر عدل و انصاف بوده و برای وضع قوانین، مصالح

عام و فراگیر را در نظر دارد، در کنار قوانین مختلف حمایتی در حفظ و نگهداری و رعایت

حال حیوان، استفاده بهینه از آن را مردود نشمرده و بر بهره برداری صحیح تأکید می کند که

۹۰. الروضة البهية، ج ۲، ص ۳۰۱.

۹۱. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۷.

۹۲. الروضة البهية، ج ۵، ص ۴۸۱. و همچنین در جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۳۹۵ تصریح نموده

«الواجب القيام بما تحتاج إليه من ... الجل مما يختلف باختلاف الأزمنة والأمكنة».

از جمله آنها، استفاده از گوشت حیوان به اندازه نیاز است؛ زیرا بدیهی است حیات انسان و حفظ بقاء و سلامت او از اولویت برخوردار است و همه عقلا بر این نکته اذعان داشته و در عمل، به آن ملتزم می‌باشند. از طرف دیگر در استفاده از گوشت حیوانات، با قرار دادن شرایطی، آن را به گونه‌های خاصی محدود کرده و این امر در حفظ و بقای گونه‌های مختلف، نقش مهمی دارد^{۹۳}. علاوه برآنکه سفر به قصد صید را تحریم کرده و از آن ممانعت به عمل آورده است، مگر در برخی موارد که در بخش بعدی با تفصیل بیشتری به آن می‌پردازیم. در همین راستا می‌توان از ممنوعیت شکار حیوانات در منطقه «حرم» شهر مکه و ممنوعیت آن به هنگام انجام مراسم حج که خود آزمون بزرگ زندگی ایده آل است، یاد کرد.^{۹۴}

اما در عین حال استفاده درست از گوشت یا بهره‌های دیگر از حیوان را نهی نمی‌کند. در این باره محقق نجفی بعد از وجوب انفاق و لزوم رسیدگی به حیوان در مورد کرم ابریشم می‌گوید:

لکن إذا جاء وقتها جاز بتخفيف جوزها في الشمس وإن أدى ذلك إلى هلاكها
تحصيلاً للغرض المطلوب منه؛

هنگامی که کرم ابریشم (به دور خود پیله تنید) و زمان بهره برداری آن فرارسید، جایز است پیله‌ها را در آفتاب خشک کنند، گرچه سبب هلاکت کرم ابریشم شود؛ زیرا استفاده درست بهنیه از پیله‌ها متوقف بر آن است.^{۹۵}

بخش چهارم: حقوق حیوان در جنایات و صدمات وارد بر آنها

همان گونه که در نظام حقوق اسلامی برای نگهداری و بهره برداری از حیوانات، قوانین حمایتی وضع شده است، خداوند متعال برای رعایت هرچه بیشتر حال حیوانات و دفاع از

۹۳. شرایع الاسلام، ج ۳، ص ۷۴۸.

۹۴. کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۲۰؛ ریاض المسائل، ج ۷، ص ۱۳.

۹۵. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۷.

گونه های مختلف آنها انسانها را از آزار و اذیت و کشتن حیوانات نهی فرموده است. از این روی در متون روایی و فقهی شیعه به قوانین متعددی در این باره تصریح شده است در این بخش مطالب موجود در کتب فقهی به چند دسته تقسیم می شود:

۱. کشتن و شکار حیوان

۲. آزار و اذیت حیوان

۳. لعن و دشنام دادن به حیوان

فصل اول: کشتن و شکار حیوانات

در آغاز، مباحث مربوط به کشتن حیوانات را ذکر کرده، سپس مسائل مربوط به شکار و ذبح حیوانات را مطرح می کنیم. در این قسمت به مجموعه مسائلی می پردازیم که به گونه های مختلف حق حیات حیوان را سلب می کند.

۱. حق حیات ونهی از کشتن

از مجموع متون فقهی و روایی به دست می آید که تعرض به حیوانات و کشتن آنها کار پسندیده ای نیست و همان طور که اسلام حق حیات خدادادی را برای انسانها محترم شمرده و تعدی به آن را جایز نمی داند، به فواخور حال حیوانات نیز، همین حق را برای آنها محترم شمرده است.^{۹۶} لذا در روایات متعددی از کشتن بی هدف حیوانات نهی شده و آن را موجب عذاب الهی معرفی کرده است.

در تأیید ممنوعیت کشتن حیوانات، می توان به روایات متعددی اشاره کرد که در آنها به صراحت از کشتن حیوانات نهی شده است و حتی در برخی از آنها این کار را موجب عذاب الهی و مؤاخذه در روز قیامت معرفی کرده است. این روایات می تواند از جمله مدارك حرمت کشتن حیوانات به حساب آید. علاوه برآن که برخی از این روایات در کتب

۹۶. منتهی المطلب (ط. ق)، ۲، ص ۹۰۹ و ۹۱۰؛ مسالک الافهام، ج ۱۵، ص ۳۸۳.

فقهی^{۹۷} نیز ذکر شده و مورد استناد فقها قرار گرفته است.

الف- شیخ طوسی و دیگر فقها^{۹۸} نقل کرده اند:

عن النبي (ص) أنه قال: اطلعت ليلة أُسرى بي على النار فرأيت امرأة تعذب، فسألتُ عنها، فقيل: أُنْها ربطت هرة ولم تطعمها ولم تسقها ولم تدعها تأكل من حشائش الأرض حتى ماتت فعذبها بذلك؛^{۹۹}

پیامبر اعظم (ص) در حدیث معراج نقل می فرمایند: زمانی که در شب معراج بر آتش جهنم گذر می کردم زنی را دیدم که عذاب می شد. از علت آن جویا شدم و سؤال کردم در پاسخ گفته شد: او زنی بود که گربه ای را بسته و محبوس کرده و به او غذا و آب نمی داد و رهایش هم نمی کرد (تا برای خود غذا تهیه کند) و از آب و علف زمین چیزی بخورد تا اینکه مرد و جان باخت، پس عذاب او بدین سبب است.

ب- از حضرت پیامبر اکرم (ص) روایت شده است:

نهی عن قتل كل ذي روح إلا أن يؤذي؛^{۱۰۰}

ایشان از کشتن هر موجود داری روح (حیوان) نهی فرمودند، مگر آنکه که مودی باشد.

ج- همچنین پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

من قتل عصفوراً بغير حق سأل الله عنه يوم القيامة؛^{۱۰۱}

۹۷. الجامع للشرايع، ص ۳۸۴. «نهی (ص) عن قتل النحل و النمل و الضفدع و الصرد و الهدد و الخطاب». همچنین این روایت در وسائل الشیعه، ج ۲۳، ص ۳۹۲، ب ۳۹، کتاب الصيد و الذباجة، ح ۳ ذکر شده است.

۹۸. مبسوط، ج ۶، ص ۴۷؛ کشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۱؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵.

۹۹. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۶۳ و ۶۵.

۱۰۰. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۹، خبر ۳۹۹۸۱.

۱۰۱. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۷، خ ۳۹۹۶۹؛ نهج الفصاحة، ص ۵۹۷، ح ۲۹۱۸؛ هرچند در برخی

از روایات، عبارت «بغير الحق»، به کشتن بدون ذبح شرعی تفسیر شده است.

هر که گنجشکی را بدون دلیل بکشد، خداوند در روز قیامت از آن سؤال و

مؤاخذه می کند.

قریب به همین مضمون، روایت دیگری پیرامون همه حیوانات وارد شده است. ۱۰۲
بر این اساس فقهای بزرگوار، کشتن بی دلیل حیوانات را جایز نمی دانند. سید
مرتضی (ره) در پاسخ به پرسشی در این باره تصریح می کند:

از آنجا که دلیل شرعی بر اباحت کشتن حیوانات غیر مودی و یا آنها که اذیتشان ناچیز
است مانند مورچه - نداریم، کشتن آنها جایز نیست. اما کشتن حیوانات مودی مانند
درندگان و مارها جایز است. ۱۰۳

از جمله شواهد دیگر بر رعایت حق حیات حیوانات در فقه اسلامی این است که فقها
در ضمن مسأله جلوگیری از غرق شدن کشتی اشاره نمودند که اگر برای خلاصی کشتی
طوفان زده، مجبور باشند که آن را سبک و وسایل درون آن را کم کنند و امر دائر شود به این
که برخی از اشیاء را به آب اندازند و یا حیوانات موجود در کشتی را، در این جا واجب
است برای نجات جان موجودات دارای روح، وسایل دیگر را به آب اندازند و مادامی که
نجات کشتی با انداختن این وسایل حاصل شود، به آب انداختن حیوانات جایز نیست. ۱۰۴

۲. کشتن حیوان، هنگام جنگ

رعایت حال حیوانات و پرهیز از کشتن آنها تا بدان جا در معارف اسلامی و فقه شیعه
مورد تأکید قرار گرفته است که در جنگ با کفار، زمانی که هنوز جنگ آغاز نشده، از کشتن
بی دلیل حیوانات نهی شده است. در اهمیت مطلب، توجه به این نکته جالب است که در
زمان گذشته اسب ها همانند جنگ افزار ماشینی امروز نقش محوری را بر عهده داشتند و
تعداد بیشتر آنها موجب تقویت سپاه می گردید. علی رغم این نکته می بینیم، جز در موارد

۱۰۲. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۷، خ ۳۹۹۶۸.

۱۰۳. رسائل المرتضی، ج ۲، ص ۳۷.

۱۰۴. مسالک الافهام، ج ۱۵، ص ۳۸۳.

اضطرار و در میدان جنگ و کارزار کشتن حیوانات منع شده است. حتی در صورتی که اسب هایی را از سپاه دشمن به غنیمت گرفته باشند و در حال عقب نشینی ترس آن را دارند که دوباره اسب ها در دست دشمن بیفتند، باز در این حال کشتن آنها تجویز نشده است. شیخ طوسی و علامه حلی به این نکته تصریح کرده اند. ۱۰۵

۳. صید و شکار

از جمله مواردی که در کتب فقهی ما به آن اشاره شده و از آن، حکم حرمت کشتن بی دلیل حیوانات استفاده می شود، حکم به حرمت صید و شکار حیوانات است. لذا صید حیوانات در غیر نیاز شخصی - برای تهیه غذا و یا فروش آن برای امرار معاش - جایز نیست و اگر صید و شکار حیوانات نیازمند به سفر باشد، آن سفر، معصیت به حساب می آید و نماز صیاد مسافر کامل بوده و شکسته نمی باشد و اگر در ماه رمضان باشد روزه بر او واجب است. لذا فقها سفر برای شکار را از مصادیق بارز سفر معصیت، ذکر فرموده اند. علامه حلی در این باره می گوید:

[عدم قصر الصلاة في] المتصيد لهو أو دون المتصيد للقتل أو التجارة على

رای؛ ۱۰۶

نماز در سفر برای صید لهوری و بی دلیل، شکسته نبوده و کامل می باشد و روزه نیز واجب است. اما بنا بر نظر گروهی، کسی که برای غذای خود یا برای امرار معاش و تجارت، صید می کند چنین حکمی ندارد.

قبل از ایشان نیز ابن سعید حلی به این نکته تصریح کرده اند. ۱۰۷

در مطالب پیش گفته، اشاره شد که شکار و صید بی جهت حیوان، معصیت و گناه به

۱۰۵. الخلاف، ج ۵، ص ۵۱۹ مسألة ۴؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۹۱۰؛ تذكرة الفقهاء، ج ۹، ص ۷۲.

۱۰۶. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۵۰.

۱۰۷. الجامع للشرايع، ص ۹۱.

حساب آمده و مورد نهی قرار گرفته است. در سایر موارد نیز شکار حیوانات برای خود احکامی داشته و در مواردی برای رعایت حال حیوان محدودیت هایی در فقه ذکر گردیده است.

۴. شکار نوزاد حیوانات و پرندگان

از جمله مواردی که در فقه ما به آن اشاره شده، جواز شکار در صورتی است که حیوان بتواند حداقل دفاع را از خود بکند و امکان فرار داشته باشد. لذا در صورتی که هنوز حیوان در سن نوزادی قرار دارد و امکان فرار و یا پرواز را نداشته باشد، باید از شکار آن پرهیز کرد.

شیخ صدوق در این باره می گوید:

لا یجوز أخذ الفراخ من اوکارها فی جبل أو بئر أو اجمّة حتی تنهض؛^{۱۰۸}
شکار نوزاد حیوانات از لانه هایشان در کوه یا چاه و یا نیزار تا زمانی که قادر به پرواز نباشند، جایز نمی باشد.

شیخ مفید^{۱۰۹} نیز این مطلب را ذکر می کند.

در شرایط جواز صید نیز تصریح شده که حیوان باید «ممتنع» باشد، یعنی امکان فرار داشته باشد. لذا در جواز صید نوزاد پرندگان اشکال شده و در صورت صید، استفاده از گوشت آنها جایز نیست.^{۱۱۰}

۵. ذبح حیوان در برابر حیوان دیگر

علاوه بر آنکه حیوانات رفتار خوب و بد را نسبت به خود تشخیص داده و دارای روح و احساس هستند، نسبت به رفتاری که با سایر حیوانات نیز می شود، حساس بوده و از رفتار بد و یا کشتن آنها رنج می کشند. در همین راستا در متون روایی و فقهی ما ذکر شده است که:

۱۰۸. الهدایه، ص ۷۹.

۱۰۹. مقنعة، ص ۵۷۷: «و لا یجوز أخذ الفراخ من اوکارها».

۱۱۰. شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۷۳۸.

یکره آن یذبح و حیوان آخر یبظر إلیه؛^{۱۱۱}

ذبح حیوان در مقابل حیوان دیگری که این صحنه را می بیند مکروه است.

عده ای از فقها چون یحیی بن سعید، علامه حلی و دیگران^{۱۱۲} بر کراهت آن تصریح

فرموده اند، حتی برخی همانند شیخ طوسی حکم به حرمت داده است.^{۱۱۳}

شهید ثانی (ره) در این باره می گوید:

ذبح حیوان در مقابل حیوان دیگری که به او نگاه می کند، مکروه است و این به

موجب روایت غیاث بن ابرهیم از امام صادق (ع) است که فرمودند:

إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) كَانَ لَا يَذْبَحُ الشَّاةَ عِنْدَ الشَّاةِ، وَلَا الْجَزُورَ عِنْدَ الْجَزُورِ وَهُوَ يَنْظُرُ

إِلَيْهِ؛^{۱۱۴}

امیرالمؤمنین علی (ع)، گوسفند و میشی را جلوی چشمان گوسفند و میشی که به

او نگاه می کرد ذبح نمی کرد.

شهید ثانی، در ادامه فتوای حرمت ذبح در این حالت را از شیخ طوسی نقل کرده و آن

را به سبب ضعف سندی روایت فوق به دلیل وجود غیاث، تضعیف می کند و ترك ذبح از

جانب امیرالمؤمنین (ع) را اعم از وجوب و استحباب می گیرد.^{۱۱۵} فاضل هندی^{۱۱۶} نیز پس

از تضعیف قول به تحریم به سبب ضعف خبر، قول به کراهت را اولی دانسته است. اما در

ادامه از باب اذیت شدن حیوان ناظر و عذاب کشیدن او از دیدن صحنه ذبح هم نوع خود،

قول به تحریم را پسندیده و آن را بعید نمی داند.

این مسئله به خوبی بر احساس همدردی حیوان، نسبت به هم نوع خود گواهی می دهد.

۱۱۱. الجامع للشرائع، ص ۳۸۴، مختصر النافع، ص ۲۴۲؛ قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۳۲۲؛ جواهر

الكلام، ج ۳۶، ص ۱۳۷.

۱۱۲. الجامع للشرائع، ص ۳۸۴؛ قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۳۲۲؛ جواهر الكلام، ج ۳۶، ص ۱۳۷.

۱۱۳. النهاية، ۵۸۴. «ولا يجوز ذبح شيء من الحيوان صبراً، وهو أن يذبح شيئاً وينظر إليه حيوان آخر».

۱۱۴. وسائل الشيعه، ج ۲۴، ص ۱۶، ب ۷ از ابواب الذبائح، ح ۱.

۱۱۵. مسالك الافهام، ج ۱۱، ص ۴۹۰.

۱۱۶. كشف اللثام، ج ۲، ص ۲۶۰.

۶. ذبح حیوانات و شکار آنها در شب

خداوند شب را برای استراحت و سکون و مایه آرامش قرار داده است^{۱۱۷} و این امر اختصاص به انسان ندارد، بلکه در متون فقهی و روایی شیعه، از تعرض به حیوانات و یا ذبح آنها در شب نهی شده است.

شیخ طوسی به این حکم اشاره کرده و می آورد:

ویکره الذبحة باللیل إلا عند الضرورة والخوف من فوته؛^{۱۱۸}

ذبح حیوان در شب مکروه است مگر به هنگام ضرورت و ترس از مردن حیوان (تا صبح).

علامه حلی^{۱۱۹} و دیگر فقها نیز بر این نکته تصریح کرده اند^{۱۲۰} و فاضل هندی در مقام بیان استدلال برای این حکم به روایت ابان بن تغلب استناد می کرد:

یکره الذبحة لیلاً إلا مع الضرورة لنهي النبي (ص) عنه وقول الصادق فی خبر ابان بن تغلب کان علی بن الحسین (ع) یأمر غلمانہ ان لا یذبحوا حتی یطلع الفجر و یقول: إن الله جعل اللیل سکناً لكل شیء، قال ابان: قلت: جعلت فداک فإن خفت؟ قال: فإن كنت تخاف الموت فاذبح^{۱۲۱}؛^{۱۲۲}

ذبح حیوانات در شب مگر در صورت ضرورت و ناچاری مکروه می باشد و این به سبب نهی پیامبر اکرم از این عمل و حدیثی از امام صادق (ع) است که ایشان از امام سجاد نقل فرمودند که به غلامانشان دستور می داد تا مادامی که فجر طلوع نکرده، از ذبح حیوانات پرهیز نمایند و می فرمود: خداوند شب را برای همه،

۱۱۷. انعام، آیه ۹۶.

۱۱۸. النهاية، ص ۵۸۴.

۱۱۹. قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۱۲۰. الجامع للشرایع، ص ۳۸۴؛ مسالک الافهام، ج ۱، ص ۴۸۹؛ مهذب الاحکام، ج ۲، ص ۴۴۱ «الذبح فی اللیل مکروه».

۱۲۱. وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۴۱، باب ۲۱ از ابواب الذبائح، ح ۲.

۱۲۲. کشف اللثام، ج ۹، ص ۲۳۶.

موجب آرامش و سکون قرار داده است. ابان می گوید: سؤال کردم جانم فدای شما باد، اگر ترس مردن حیوان را داشته باشیم چه؟ امام صادق (ع) فرمود: اگر ترس مردن حیوان را (شب هنگام) داری آن را ذبح کن.

۷. پرهیز از رنج دادن حیوان هنگام ذبح

همانطور که در مطالب گذشته اشاره شد، کشتن بی دلیل حیوانات ممنوع است و در صورت نیاز، باید بر اساس موازین شرعی به ذبح آنها پرداخت. رعایت حال حیوان تا بدان جا مورد عنایت قرار گرفته است که هنگام ذبح نیز توجه به نکاتی لازم است تا این عمل به آسانی انجام پذیرفته و تاحد ممکن از رنج کشیدن حیوان کاسته شود. مجموعه توصیه هایی که در این باره ذکر شد، به خوبی بر ادراک و شعور حیوان دلالت داشته و به ما می فهماند که باید با کمال رفق و مدارا و عطف با او برخورد کرد. رعایت این نکات شامل قبل از ذبح و هنگام آن و بعد از ذبح می شود.^{۱۲۳} شهید ثانی^{۱۲۴} پس از ذکر وظایفی که رعایت آنها هنگام ذبح لازم است به دو حدیث از پیامبر اکرم (ص) اشاره می کند:

روی شدّاد بن اویس انّ النبیّ (ص) قال: انّ الله کتب علیکم الإحسان فی کلّ شیء، فإذا قتلتم فأحسنوا القتلة و إذا ذبحتم فأحسنوا الذبحة و لیحدّ أحدکم شفرته و لیرح ذبیحته؛^{۱۲۵}

پیامبر اعظم می فرماید: خداوند احسان در همه امور را بر شما لازم داشته است. پس زمانی که حیوانی را ذبح می کنید به خوبی ذبح را انجام دهید و چاقوی ذبح را تیز کنید و آب را به او عرضه دارید.

همچنین در حدیث دیگری از پیامبر (ص) نقل شده است:

۱۲۳. النهایة، ص ۵۸۴.

۱۲۴. مسالک الافهام، ج ۱۱، ص ۴۱۹.

۱۲۵. مسند احمد، ج ۴، ص ۱۲۴؛ سنن بیهقی، ج ۹، ص ۲۸۰.

آنَه (ص) امر ان تحمّد الشفّار و ان تواری عن البهائم و قال: إذا ذبح احدكم فليجهّز؛ ۱۲۶

پیامبر اکرم (ص) دستور فرمود که برای ذبح، چاقو را تیز کنید و از جلوی چشمان دیگر حیوانات دور شوید (و جلوی چشم حیوانی، حیوان دیگر را ذبح نکنید) و فرمودند: زمانی که یکی از شما ذبح حیوانی را انجام می دهد خود را به وسایل مورد نیاز تجهیز کند.

فاضل هندی (ره) نیز قریب به همین مطالب را با استناد به روایاتی می آورد. ۱۲۷ همچنین محقق نجفی (ره) در کتاب جواهر الکلام ۱۲۸ مطالب مذکور در مسالک را ذکر کرده و بر همین نکات تأکید می کند.

بسی روشن است که این توصیه ها در راستای راحتی ذبح حیوان است تا حیوان رنج مضاعف را متحمل نشده و زجرکش نگردد.

۸. کندن پوست حیوان بلافاصله پس از ذبح

از نظر مشهور فقها، سلاخی حیوان و کندن پوست آن و یا قطع عضوی از اعضای آن بلافاصله پس از ذبح و قبل از آن که بدن حیوان سرد گردد مکروه و عملی ناپسند است. ۱۲۹ حتی برخی از فقها، همانند شیخ طوسی ۱۳۰، ابن زهره ۱۳۱ و شهید ۱۳۲ حکم به حرمت این

۱۲۶. مسند احمد، ج ۲، ص ۱۰۸؛ سنن بیهقی، ج ۹، ص ۲۸۰.

۱۲۷. کشف اللثام، ج ۹، ص ۲۲۶ و قال: «یستحبّ أن یكون السکین حادّة فن النبی (ص) من ذبح فلیحدّ شفرته و لیرح ذبیحته، و عن الباقر (ع): إذا اردت ان تذبح ذبیحة فلا تمذّب البهیمة، احدّ الشفرة و استقبل القبلة و لا تنزعها حتی تموت: أنظر: دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۱۲۸. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۳۳؛

۱۲۹. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۲۴، رجوع شود به سرائر، ج ۳، ص ۱۱۰؛ الوسیله، ص ۳۶۰.

۱۳۰. النهایه، ص ۵۸۴: «ولا یجوز سلخ الذبیحة إلا بعد بردها».

۱۳۱. غنیة النزوع، ص ۳۹۷.

۱۳۲. الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۴۱۵.

عمل داده اند و فاضل هندی در این باره می آورد:

الاقوی ما اختاره الشهيد من حرمة الفعل ... كما في النهاية لأنه إيلام للحيوان بلا

فائدة وقد نهى عن تعذيب الحيوان؛^{۱۳۳}

فاضل هندی در این مساله همانند شهید(ره)، قول به حرمت را برمی گزیند و تقویت می کند، همان گونه که شیخ طوسی همین قول را اختیار کرده بود.

ایشان در تعلیل این فتوای به این اشاره می کند که این عمل موجب رنج دادن و اذیت کردن حیوان است و در روایات ما از اذیت کردن حیوانات نهی شده است.

همانگونه که در متن فوق اشاره شد دلیل این فتاوی روایاتی است^{۱۳۴} که از این عمل نهی کرده است و عده ای بنا بر ظاهر روایات، نهی را حمل بر حرمت کرده و برخی دیگر حمل بر کراهت نموده اند.

فلسفه تشریح این حکم ممنوعیت آزار و اذیت حیوانات و حرمت رنج دادن آنها می باشد.

شهید ثانی(ره) نیز پیرامون همین حکم و زمان آن پس از ذبح می گوید:

يمكن الكراهة من حيث اشماله على تعذيب الحيوان على تقدير شعوره مع أنّ سلخه قبل برده لا يستلزمه، لأنه أعم من قبليّة الموت و ظاهرهم أنّهما متلازمان و هو ممنوع و من ثمّ جاز تغسيل ميت الإنسان قبل برده، فالأولى تخصيص الكراهة بسلخه قبل موته؛^{۱۳۵}

ممکن است حکم به کراهت از این باب باشد که موجب اذیت و زجر کشیدن حیوان می شود و این در صورتی است که هنوز حیوان شعور داشته و نمرده باشد. اما سلاخی قبل از سرد شدن بدن حیوان ملازم با زمان شعور و زنده بودن حیوان نیست، بلکه اعم از قبل و بعد از مرگ است و ممکن است حیوان مرده

۱۳۳. کشف اللثام، ج ۹، ص ۲۳۵.

۱۳۴. وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۱۷، باب ۸ از ابواب ذبائح، ح ۱.

۱۳۵. الروضة البهیة، ج ۷، ص ۲۳۲-۲۳۳.

باشد ولی هنوز بدن او سرد نشده باشد. اما ظاهر کلمات فقها این است که میان زنده بودن و سردنبودن بدن ملازمه است (و سرد شدن بدن حیوان علامت مرگ کامل حیوان می باشد).

شهید ثانی این نظر را نپذیرفته و رد می کند و برای اثبات آن به جواز غسل دادن جسم انسان مرده قبل از سرد شدن بدن او، شاهد می آورد. ایشان در پایان می گوید:
اولی این است که حکم به کراهت سلاخی مخصوص زمانی باشد که هنوز حیوان جان داشته و نمرده است.

در این مسأله نیز مورد اصلی بحث ممنوعیت آزار و اذیت حیوان است و تا بدان جا بر این مسأله تأکید شده است که در آخرین لحظه های زندگی حیوان، نیز رنج دادن حیوان ناپسند شمرده شده است.

۹. فلج کردن حیوان قبل از ذبح

در متون فقهی ما به ممنوعیت فلج کردن حیوانات تصریح شده است^{۱۳۶}. امروزه نیز در برخی از کشتارگاه ها برای ذبح حیواناتی که همچون گاو جثه بزرگی دارند متوسل به شکردهایی مثل شوک های الکتریکی می شوند تا حیوان را راحت تر ذبح کنند و حیوان به هنگام ذبح از تحرك كمتری برخوردار باشد. در گذشته نیز به همین منظور از فلج کردن حیوان قبل از ذبح آن استفاده می کردند که این عمل در روایات مورد نهی واقع گردیده و فقهای شیعه نیز به آن پرداخته و جمعی از آنها قائل به حرمت این عمل شده اند.

در این باره روایتی نیز از امام صادق (ع) وارد شده که در آن از قطع نخاع حیوان قبل از ذبح نهی شده است که در ضمن عبارات فقها^{۱۳۷} به ذکر آن می پردازیم. شیخ طوسی بر ممنوعیت قطع نخاع و جدا نمودن سر حیوان قبل از سرد شدن بدنش تصریح دارد.^{۱۳۸}

۱۳۶. الهدایه، ص ۲۴۲؛ الوسیله، ص ۳۶۰.

۱۳۷. مختصر النافع، ص ۲۴۲.

۱۳۸. النهایة، ص ۵۸۴.

شهید اوّل و شهید ثانی (ره) در این باره گفته اند:

«يكره أن تنزع الذبيحة» هو أن يقطع نخاعها قبل موتها... و قيل: يحرم؛
لصحيحة الحلبي، قال: قال أبو عبد الله (ع): «لا تنزع الذبيحة حتى تموت فإذا
ماتت فانخعها» و الأصل في النهي التحريم و هو الأقوى و اختاره في الدروس.
نعم لا تحرم الذبيحة على القولين. ۱۳۹

شهید اوّل (ره) می گوید:

فلج کردن حیوانی که ذبح می شود مکروه است.

شهید ثانی در شرح عبارت شهید می نویسد:

واژه «تنزع» به معنای قطع نخاع و فلج کردن حیوان قبل از مرگ است.

در ادامه می آورد:

عده ای قائل به حرمت این عمل شده اند و دلیل آن صحیح حلبی از امام
صادق (ع) می باشد که امام می فرمایند: حیوانی را که ذبح می کنید قبل از مرگ
قطع نخاع و فلج نکنید و پس از مرگش این کار را انجام دهید. و اصل در نهی
[که در روایت ذکر شده] حرمت می باشد.

شهید ثانی پس از نقل این قول می گوید:

این نظر اقوی است و شهید اوّل در کتاب (دروس) قول به حرمت را اختیار کرده
است. البته چه قائل به حرمت این عمل شویم یا کراهت آن، گوشت حیوانی که
قبل از مرگ، این عمل بر او انجام شده حرام نمی باشد.

۱۰. پی کردن حیوان

در جنگ هایی که در زمان گذشته انجام می شد اسب از وسایل مؤثر و موجب برتری
جنگ جو در جنگ ها به شمار می رفت. در آن زمان رسمی در میان دلاوران بود که در میدان
مبارزه و جنگ تن به تن با طرف مقابل اسب خود را پی می کردند تا به دست دشمن نیفتد و یا به

عنوان شجاعت نشان دهند که دیگر به فکر بازگشت نیستند. این عمل در میان جنگجویان عرب رسم بوده است. اسلام از این عمل نهی کرد و آن را عملی مکروه و ناپسند دانست. این حکم توسط فقهای بسیاری ذکر گردیده است^{۱۴۰} و حتی در زمان ضرورت که به مصلحت باشد ذبح حیوان را بر پی کردن آن ترجیح داده‌اند. بدیهی است که پی کردن و قطع دست و پای حیوان موجب مرگ تدریجی و زجر بیشتری برای حیوان است.

محقق نجفی در این باره ضمن نقل آرای فقها می‌آورد:

پی کردن حیوان مکروه است گرچه عاجز از راه رفتن بوده و یا مشرف به مرگ باشد. همانگونه که در کتاب‌های نهاییه، مختصر النافع، تذکرة، منتهی، لمعه، تنقیح الرائع، جامع المقاصد و مسالک الافهام و غیر آن آمده است، مگر آنکه ضرورت، انجام این عمل را اقتضا کند همان گونه که جعفر طیار در جنگ موته (مکانی در شام) چنین کاری کرد و روایت سکونی - که در کتاب کافی ذکر گردیده - از امام صادق نقل می‌کند که فرمودند: لَمَّا كَانَ يَوْمَ مَوْتِهِ كَانَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى فَرَسٍ فَلَمَّا اتَّقَوْا نَزَلَ عَنْ فَرَسِهِ فَعَرَّقَهَا بِالسَّيْفِ فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ عَرَّقَ فِي الْإِسْلَامِ،^{۱۴۱} در روز جنگ موته جعفر بن ابی طالب بر اسبی سوار بود و هنگامی که کارزار آغاز گردید، از اسب پایین آمده و آن را با شمشیر پی کرد و ایشان اولین کسی بود که در اسلام حیوانی را پی کرد.

ایشان در ادامه می‌گویند: *رساله جامع علوم انسانی*

اگر در این صورت بتواند اسب را به جای پی کردن ذبح کند بهتر است کما اینکه عده‌ای از فقها بر این مطلب تصریح نمودند.^{۱۴۲}

۱۴۰. النهایه، ص ۲۹۸؛ مختصر النافع، ص ۱۳۶؛ تذکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۸۴؛ الروضة البهیة، ج ۳، ص ۳۹۴.

۱۴۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۴۴، باب ۵۲ از ابواب احکام الدواب، ح ۲.

۱۴۲. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۸۳.

فصل دوم: آزار و اذیت حیوان

از روایات متعددی که در موارد مختلف ذکر شده، به دست می‌آید هر نوع کاری که موجب آزار و اذیت حیوان گشته و اسباب رنج و تعذیب او را فراهم آورد، روا نبوده و جایز نمی‌باشد.

فقه‌های شیعه با استناد به این روایات به بحث پرداخته و از کارهایی همانند شلاق زدن حیوانات، داغ نهادن، فلج کردن، مثله کردن و ... نهی کرده‌اند.

در بخش سوم نیز در ضمن مباحثی پیرامون بهره برداری و استفاده از حیوانات به این نکته اشاره گردید که بار کشیدن و سواری حیوان بیش از توان او موجب آزار و اذیت حیوان شده و نارواست، همچنین در مطالب گذشته در همین بخش نیز نکات متنوعی پیرامون پرهیز از رنج دادن حیوانات هنگام ذبح آنها بیان شد. در ذیل به شواهد دیگری در این باره می‌پردازیم:

۱. ممنوعیت شلاق زدن به حیوان

در متون روایی و فقهی، زدن حیوانات خواه با شلاق و خواه با شیء دیگر مورد نکوهش قرار گرفته است و همواره بر رفتاری آکنده از شفقت و مهربانی با حیوان تأکید شده است.

در باره امام سجاده (ع) آمده است که:

حجّ علیّ بن الحسین (ع) علی ناقة له أربعين حجّة فما قرعها بسوط؛^{۱۴۳}

ایشان با شتری، چهل سفر حج انجام داده بودند اما در طول این مدت ضربه‌ای شلاق به آن نزدند.

در روایات دیگری می‌خوانیم: امام سجاده، زدن حیوان را موجب قصاص می‌داند و این دلیل واضحی بر ناپسندی این عمل و حرمت آن دارد که انسان نمی‌تواند بی‌جهت

۱۴۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۳، باب ۱۰ از ابواب احکام الدواب، ح ۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۳؛ منتهی المطلب (ط. ق)، ج ۲، ص ۶۴۸.

حیوان را مورد ضربات شلاق قرار دهد:

عن أبي محمد الحسن بن محمد عن جدّه عن أحمد بن محمد الراجعي عن إبراهيم بن علي عن أبيه، قال: حججت مع علي بن الحسين (ع) فالتأثت عليه الناقة في سيرها، فأشار إليها بالقضيب، ثم قال: آه لولا القصاص وردّيده عنها؛^{١٤٤}
ابراهيم بن علي از پدرش نقل می کند که با امام سجّاد (ع) به حج رفته بودم، در مسیر راه شتر در راه رفتن سستی و کندی نشان داد. در این هنگام امام سجّاد (ع) چوب دستی خود را بلند کرد و نشان حیوان داد و آنگاه فرمود: آه! اگر ترس از قصاص نبود این کار را انجام می دادم. سپس دست مبارك خود را پایین آورد و چوب دستی را از جلوی چشم حیوان دور کرد.

موارد جواز زدن حیوان

در مواردی هنگام استفاده از حیوان شلاق زدن آن تجویز شده است. در بیشتر روایات، میان زدن برای لغزش در راه رفتن و نافرمانی و سرباز زدن تفصیل داده شده و از زدن برای لغزش نهی شده است:

سهل بن زیاد عن محمد بن الحسن بن شمون عن الأصم عن مسمع بن عبد الملك عن أبي عبد الله (ع)، قال: قال رسول الله (ص): اضربوها على النفار ولا تضربوها على العثار؛^{١٤٥}
امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که ایشان فرمودند: حیوانات را در نافرمانی و سرباز زدن از راه رفتن بزنید نه در لغزیدن.

همین روایت را نیز شیخ طوسی با سند دیگری نقل کرده است.^{١٤٦} در حدیث دیگری

١٤٤. وسائل الشیعه، ج ١١، ص ٤٨٥، باب ١٠ از ابواب احکام الدواب، ح ١٥؛ ارشاد شیخ مفید، ص ٢٥٦.

١٤٥. وسائل الشیعه، ج ١١، ص ٤٨٨، باب ١٣ از ابواب احکام الدواب، ح ٣؛ الکافی، ج ٦، ص ٥٣٠.

١٤٦. رواه الشیخ یاسناده عن سهل بن زیاد و البرقي في المحاسن مرسله.

قریب به همین مضمون آمده است .

احمد بن محمد البرقی فی المحاسن عن بعض اصحابنا، رفعه قال (ع) :

لا تضربوها علی العثار و اضربوها علی النفار؛^{۱۴۷}

حیوان را در لغزش نزنید، بلکه در امتناع از رفتن بزنید .

اما در مقابل روایات فوق، در حدیث دیگری عکس این قضیه را می خوانیم که زدن بر لغزش حیوان را تجویز نموده و از زدن، هنگام سرباز زدن نهی می کند .

محمد بن علی بن الحسین قال : روی آله - یعنی ابا عبدالله (ع) - قال : اضربوها

علی العثار و لا تضربوها علی النفار؛ فانها تری مالاترون؛^{۱۴۸}

از امام صادق (ع) نقل شده که می فرماید : حیوانات را بر لغزش بزنید اما برای

سرباز زدن از راه رفتن نزنید؛ زیرا آنها چیزهایی را می بینند (که موجب حیرت

آنها و توقشان می شود) و شما نمی بینید .

البته پر واضح است که «اضربوها» در این روایت و روایات گذشته دلالت بر جواز

کرده و می فهماند زدن حیوان در این موارد جایز بوده و مانعی ندارد و این جواز رافع

کراهت مطلق که از سایر روایات به دست می آید نیست . در نتیجه در جمیع موارد، بهتر

است از زدن حیوان پرهیز شود، همانگونه که در سیره امامان معصوم (ع) دیدیم که این نکته

را رعایت می کردند .

علامه مجلسی از پدر خویش نقل می کند که ایشان در صحت احادیث جواز ضرب بر

«عثار» تشکیک می کند، سپس احتمال می دهد که هر یک از دو دسته روایات نهی از ضرب

بر «عثار» و «نفار» مخصوص به موقعیتی خاص بوده است؛ مثلاً «عثار» به سبب کسالت

حیوان و «نفار» به موجب دیدن شبهی از دور و ترس از آن باشد .^{۱۴۹}

۱۴۷ . وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸، باب ۱۳ از ابواب احکام الدواب، ح ۵ .

۱۴۸ . وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸، باب ۱۳ از ابواب احکام الدواب، ح ۴؛ منتهی المطلب (ط. ق)،

ج ۲، ص ۶۴۸؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۳۳ .

۱۴۹ . بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳ .

حرّ عاملی در مقام بررسی این دو دسته از روایات که میان «ضرب بر عثار» و «ضرب بر نفار» تفصیل داده و با هم اختلاف داشتند - در ذیل روایت فوق - عمل به مضمون آن را ترجیح داده و جواز زدن بر لغزش را هماهنگ با تعلیل مذکور در روایت می داند که فرمود: «فانها تری ما لاترون»؛ زیرا آنها نسبت به امور غیر مادی برخوردار از درک و شعور بوده و نسبت به اموری توجه دارند که انسان ها، درک آن را نداشته و از آن غافل هستند. در تأیید کلام ایشان می توان به روایتی اشاره نمود که تصریح دارد حیوانات صدای عذاب جهنمیان را می شنوند و همین امر موجب سکون و توقف یکباره آنها می شود. حرّ عاملی سایر روایاتی را که اشاره به «ضرب بر نفار» داشته حمل بر جواز کرده و روایاتی را که از «ضرب بر عثار» نهی می نمود حمل بر افراط و زیاده روی در زدن می کند.

همچنین در روایتی که شیخ حرّ عاملی از امام سجاد(ع) پیرامون حقوق حیوان ذکر می کند نیز آمده است:

عن محمد بن الحسن بن الولید عن الصفار عن ابراهیم بن هاشم عن الحسين بن یزید النوفلی عن اسماعیل بن مسلم السکونی عن الصادق جعفر بن محمد(ع)، قال: للذابة علی صاحبها سبعة حقوق: ... ولا يضربها علی النفار و يضربها علی العثار؛ فانها تری ما لاترون. ۱۵۰

در روایت دیگری از امام صادق(ع) پیرامون موارد زدن حیوان سؤال شده است:

محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن علی بن ابراهیم الجعفري رفعه قال: سئل الصادق(ع): متى اضرب دأبتي تحتی؟ قال: إذا لم تمس تحتك كمشيتها إلى مذودها؛ ۱۵۱
چه زمانی می توانم حیوان سواری خود را بزدم؟ امام(ع) فرمود: «هنگامی که مانند رفتن به چراگاه راه نمی رود».

۱۵۰. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۰، باب ۹ از احکام الدواب، ح ۷، البته قریب به همین روایت در کافی، ج ۶، ص ۵۳۷، نیز نقل شده است و به جای هفت حق، از شش حق سخن به میان آمده است.
۱۵۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷، باب ۱۳ از احکام الدواب، ح ۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۶.

یحیی بن سعید حلّی نیز قریب به مضمون همین روایت را در کتاب فقهی خود ذکر می کند:

يجوز له ضرب الدابة إذا قصرت عن مثل سيرها إلى مذودها ولا يضرب وجهها. ۱۵۲

در روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) از زدن به صورت حیوان در مواردی که انسان برای کنترل و هدایت حیوان ناچار از زدن آن می باشد نهی شده است و در بیان علت آن به نکته جالب توجهی اشاره شده است که هر چیزی برای خود حرمتی دارد و حرمت حیوان در صورت اوست. لذا این روایات در صورت زدن حیوان نیز بی حرمتی به او را تجویز نکرده و از زدن بر صورت او نهی کرده است. در برخی دیگر از روایات، حمد و ثنا گفتن حیوان را از دلایل نهی از زدن بر صورت حیوان ذکر کرده اند.

همچنین امام صادق (ع) از امیر المؤمنین (ع) و ایشان از پیامبر (ص) نقل می فرمایند که حرمت چهار پایان در صورت آنها است:

قال أمير المؤمنين (ع): قال رسول الله: لا تضربوا وجوه الدواب و كل شيء فيه الروح؛ فإنه يسبح بحمد الله؛ ۱۵۳

بر صورت چهار پایان و هر چه دارای روح است نزدیک؛ زیرا آنها حمد و ثنای الهی را به تسبیح می گویند.

۳. به جنگ انداختن حیوانات

یکی از سرگرمی هایی که از دیرباز تاکنون رواج دارد و انسان ها برای تفریح خود مبادرت به این کار می کنند، به جنگ انداختن حیوانات مختلف از سگ گرفته تا خروس و قوچ و غیر آن است. امروزه در مناطق مختلف جهان از کشورهای توسعه یافته گرفته تا غیر

۱۵۲. الجامع للشرایع، ص ۳۹۸.

۱۵۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۴، باب ۱۰ از ابواب احکام الدواب، ح ۱۳ و ص ۴۸۲، باب ۱۰ از ابواب احکام الدواب، ح ۲؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۳۳.

آن، به جنگ انداختن حیوانات رایج است حتی شبکه های مختلف تلویزیونی به ضبط و پخش این مسابقات پرداخته و به نوعی در ترویج آن نقش دارند. در این میان همواره انسان های فرهیخته و انجمن های مختلف حمایت از حیوانات، سعی در جلوگیری از این کار دارند. هر چند توفیق چندانی نیافته اند و این عمل هنوز منسوخ نشده است اما در قوانین متعالی اسلامی از این عمل نهی شده و آن را ممنوع ساخته است.

ابن سعید حلّی به این موضوع پرداخته و در ضمن نقل حدیثی از پیامبر اسلام (ص) آورده است:

نهی (ص) عن التحریش بین البهائم إلا بالکلاب؛ ۱۵۴

پیامبر از به جنگ انداختن میان حیوانات نهی فرمودند مگر سگهای شکاری.

به این مضمون در روایات متعددی اشاره شده است:

أبان بن عثمان عن أبي العباس عن أبي عبد الله (ص)، قال: سألته عن التحریش بین البهائم، فقال (ع): كَلْه مَكْرُوه إِلَّا الْكَلَاب؛ ۱۵۵

ابو عباس می گوید: از امام صادق (ع) درباره به جنگ انداختن حیوانات سؤال کردم. امام در پاسخ فرمود: این عمل در همه موارد مکروه است مگر در میان سگ ها.

عن مسمع، قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن التحریش بین البهائم، فقال: أكره ذلك، إلا الكلاب؛ ۱۵۶

مسمع می گوید: از امام صادق (ع) پیرامون به جنگ انداختن میان بهائم سؤال کردم، پاسخ فرمود: این عمل ناپسند و مکروه است مگر در سگ ها.

علامه مجلسی در بحار الانوار به شرح و توضیح این روایات پرداخته و می گوید:

مراد از جواز این عمل در سگ ها، انداختن سگ ها به جان یکدیگر نیست، بلکه

۱۵۴. الجامع للشرائع، ص ۳۹۷؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۵.

۱۵۵. الكافي، ج ۶، ص ۵۵۳.

۱۵۶. الكافي، ج ۶، ص ۵۵۴.

آموزش و تمرین آنها برای شکار است که بتوان آنها را به سوی حیوانات دیگر فرستاد تا آنها را صید کنند.

ایشان در ادامه می افزاید:

گرچه در روایات به «کراهت» این عمل اشاره شده است اما مراد از «کراهت»، کراهت اصطلاحی نیست، بلکه کراهت نیست، بلکه کراهت در عرف روایات اعم از حرمت می باشد و در اینجا بعید نیست - به موجب لغو و لغو بودن این عمل و ضرری که بدون هیچ مصلحت و نفعی به حیوانات می رسد - قائل به حرمت شویم.^{۱۵۷}

فیض کاشانی نیز در شرح روایات «کافی» به این موضوع پرداخته و همانند علامه مجلسی «کراهت» را اعم از حرمت دانسته و به سبب لغو بودن عمل و اضرائی که به حیوان می رسد - قول به حرمت را انتخاب می کند.^{۱۵۸}

۴. عقیم سازی حیوان و مثله کردن آن

در میان گله داران این چنین معمول بود که عقیم نمودن حیوان و خصی کردن آن را سبب رشد بیشتر حیوان و چاق شدن و باعث سبب آرام شدنش می دانستند؛ لذا به این امر مبادرت می کردند. در کتب فقهی^{۱۵۹} به پیرو روایات اهل بیت (ع)، از این عمل نهی شده است و حق تولید مثل را برای حیوانات محترم شمرده است. در پاره ای دیگر از روایات، عقیم سازی حیوان را مثله کردن آن شمرده و از آن نهی کرده است.

امام صادق (ع) از پدرش، امام باقر (ع) نقل کرده است:

انه کره اخصاء الدوابّ و التحریش بینها؛^{۱۶۰}

ایشان کراهت داشتند از این که حیوانات عقیم شوند.

۱۵۷. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۲۷.

۱۵۸. الکافی، ج ۶، ص ۵۵۳ و ۵۵۴. (در حاشیه).

۱۵۹. الکافی فی الفقه، حلبی، ص ۲۸۱ و قال: «فصل فیما یحرم فعله... و خصاء شیء من الحيوان».

۱۶۰. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۲۲، باب ۳۹ از ابواب احکام الدواب، ح ۳.

در حدیث دیگری وارد شده است که پیامبر اعظم (ص) از این عمل نهی فرمودند:

ان النبي (ص) نهی عن إحصاء الخيل و الغنم و الديك؛ ۱۶۱

پیامبر اکرم (ص) از عقیم کردن اسب، گوسفند و خروس نهی کردند.

در حدیث دیگری آمده است:

لعن الله من مثل بدواجنه؛ ۱۶۲

لعنت خدا به کسی که حیوانات اهلی خود را مثله کند.

مراد از مثله کردن همان عقیم کردن است.

ممنوعیت عقیم سازی و محترم شمردن حق تولید مثل، منحصر به این حیوانات نبوده، بلکه در احادیث مختلف نام برخی از حیوانات دیگر نیز ذکر شده است.

۵. سوزاندن حیوان

آتش زدن و سوزاندن حیوانات در اسلام مورد نهی قرار گرفته است و در این باره روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) به ما رسیده است:

ان رسول الله (ص) نهی أن يحرق شيء من الحيوان بالنار؛ ۱۶۳

پیامبر اکرم (ص) از اینکه شخصی حیوان را با آتش بسوزاند نهی فرمودند.

همچنین در حدیث دیگری می خوانیم:

ان النبي (ص) قد نهی عن تعذيب الحيوان بالنار؛ ۱۶۴

پیامبر (ص) از اینکه حیوان را با آتش اذیت کنند نهی فرمودند.

از مجموعه مطالبی که در مباحث گذشته، از فقها ذکر شد که «تعذیب» و «ایلام» و «ایذاء» حیوان حرام است به خوبی استفاده می شود که این عمل نیز مشمول همان حکم

۱۶۱. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۰.

۱۶۲. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۲.

۱۶۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳.

۱۶۴. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۴۴.

شده و جایز نمی باشد و شکنجه حیوان با آتش و یا سوزاندن و کشتن آن در اسلام ممنوع است. اگر در مواردی هم مانند جایی که حیوان مورد وطی انسان قرار بگیرد، سفارش شده که حیوان سوزانده شود. علاوه بر آن که شخصی که این کار را انجام داده مورد عقوبت و جزای دنیایی و آخرتی قرار می گیرد، حیوان را زنده زنده نمی سوزانند، بلکه پس از ذبح، توصیه به سوزاندن آن شده است که برای خود دارای حکمت و مصلحتی است. ۱۶۵

محقق نجفی بعد از ادعای عدم خلاف پیرامون حرمت استفاده از گوشت این حیوان با استناد به روایتی می آورد:

خبر ابن سنان و الحسین بن خالد و اسحاق بن عمار و فیها الصحيح و غیره عن الصادقین (علیهم السلام): فی الرجل یأتي البهیمة فقالوا جميعاً: إن كانت البهیمة للفاعل ذبحت، فإذا ماتت أحرقت بالنار و لم یتنفع بها و إن لم تكن البهیمة له قومت و أخذ ثمنها منه و دفع إلى صاحبها و ذبحت و أحرقت بالنار و لم یتنفع بها - إلى أن قال -: فقلت: ما ذنب البهیمة؟ قال: لا ذنب لها ولكن رسول الله (ص) فعل هذا و أمر به لكن لا یجتزی الناس بالبهائم و یقطع النسل؛ ۱۶۶

سپس صاحب جواهر به بیان حدیثی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) می پردازد که در آن درباره چنین حیوانی آمده است:

اگر این حیوان مال خود آن شخص باشد اول ذبح می شود و پس از مردن سوزانده می شود و از آن استفاده نمی گردد و اگر حیوان برای دیگری بود قیمتش را از آن شخص می گیرند و به صاحب حیوان می پردازند و حیوان را ذبح کرده و سپس سوزانده و از آن استفاده ای نمی کنند. در ادامه حدیث راوی می گوید: سؤال کردم گناه حیوان در این باره چیست؟ امام پاسخ می فرماید: حیوان گناهی ندارد ولی رسول الله (ص) مبادرت به این عمل کرد و دستور به آن داد.

۱۶۵. المقنعة، ص ۷۸۹.

۱۶۶. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۸۵؛ التهذیب، ج ۱۰، ص ۶۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۵۷، باب ۱ از ابواب نکاح البهائم، ح ۱. در وسائل الشیعه، به جای «لکن لا یجتزی»، «لکیلا یجتزی» آمده.

در ادامه، امام اشاره به مصلحت این عمل می‌کند که همانا رعایت مصالح عالیه نظام اجتماعی انسان و بقای نسل او می‌باشد؛ زیرا سوزاندن حیوان سبب می‌شود افراد با حیوانات خود این عمل را انجام نداده و به آن عادت نکنند. در غیر این صورت از ازدواج شانه خالی کرده و به این سبب خود را ارضاء می‌کنند و نیاز جنسی خود را برطرف می‌سازند و سرانجام این عمل، کاهش ازدواج و قطع نسل انسانی است.

۶. داغ نهادن بر حیوان

در گذشته در میان گله داران و افرادی که دارای حیوان بودند رسم بود که برای اثبات مالکیت خود بر حیوان به واسطه داغ نهادن، علامت گذاری می‌کردند و هر یک در قسمتی از بدن حیوان داغ می‌نهادند.

در اسلام از این عمل به ویژه در صورت حیوانات نهی شده است و در صورت نیاز توصیه شده که در غیر صورت حیوان و یا در گوش او انجام شود. پس داغ نهادن بر صورت ممنوع است^{۱۶۷} و در بیان علت آن بیان کرده‌اند که: «زیرا آنها تسبیح می‌گویند و حمد خدای را به جای می‌آورند»^{۱۶۸}.

لذا چنین صورتی مورد احترام است و باید به پاس تسبیح الهی از داغ نهادن بر صورت آنها پرهیز کرد اما در صورت نیاز به علامت گذاری شیخ طوسی می‌گوید:

سزاوار است بر قوی ترین و سخت ترین موضع بدن که عاری از پشم و موی

باشد داغ نهند تا ضرری به حیوان نرسد.^{۱۶۹}

در روایاتی در مقام بیان مکان داغ نهادن، از موضعی غیر از صورت حیوان نام برده شده است. عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت می‌کند:

۱۶۷. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ الکافی فی الفقه، ص ۵۳۸.

۱۶۸. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۹۴.

۱۶۹. مبسوط، ج ۱، ص ۲۶۱.

قال: سألت أبا عبد الله عن سمة المواشي، فقال (ع): لا بأس بها الأفي
الوجه؛ ١٧٠

از امام درباره داغ نهادن بر چهارپایان سؤال نمودم، امام (ع) پاسخ فرمود: در غیر
صورت اشکالی ندارد.

همچنین در روایت ابن فضال از یونس بن یعقوب از امام صادق (ع) ذکر شده است:

قال: قلت لأبي عبد الله: اسم الغنم في وجوهها؟ فقال (ع): سمها في
أذناها؛ ١٧١

از امام صادق (ع) سؤال کردم: آیا می توانم بر صورت گوسفند داغ نهم و علامت
گذاری کنم؟ امام پاسخ فرمود: بر گوش های آن علامت گذاری کن.

٧. آزار و اذیت حشرات و آبیان

در صفحات گذشته موارد متعددی از ممنوعیت آزار و اذیت حیوانات نقل شد در این
باره حتی به حشرات و حیوانات ریز و آبیان نیز توجه شده است. شیخ طوسی و علامه
حلی و دیگر فقها تصریح کرده اند:

يكره البول في حجرة الحيوان؛ ١٧٢

بول کردن در خانه حیوان مکروه است.

همچنین شهید ثانی می گوید:

يكره البول في الماء جارياً وراكداً للتعليل في اخبار النهي بان للماء اهلاً فلا

تؤذهم بذلك؛ ١٧٣

١٧٠. وسائل الشیعه، ج ١١، ص ٤٨٥، باب ١١ از ابواب احکام الدواب، ح ١.

١٧١. وسائل الشیعه، ج ١١، ص ٤٨٥، باب ١١ از ابواب احکام الحيوان، ح ٢.

١٧٢. النهاية، ص ١٠: ولا يبولن في حجرة الحيوان؛ قواعد الاحكام، ج ١، ص ٤؛ الجامع للشرائع،

ج ٢٦ و ٢٧؛ الروضة البهية، ج ١، ص ٣٤٤؛ جواهر الكلام، ج ٢، ص ٨٦.

١٧٣. الروضة البهية، ج ١، ص ٣٤٢؛ وسائل الشیعه، ج ١١، ص ٢٤٦، باب ٣ از ابواب احکام

الدواب، ح ٧.

بول کردن در آب جاری و راکد به موجب علتی که در روایات ذکر شده است مکروه می باشد؛ زیرا فرمودند: حیواناتی در آب زندگی می کنند و با بول کردن آنها را اذیت نکنید.

فاضل هندی این حکم را به اکثر اصحاب نسبت می دهد. ۱۷۴

سوم: ممنوعیت توهین و لعن حیوان

با ذکر مطالب این بخش در صفحات گذشته روشن شد که آزار و اذیت جسمانی حیوان مورد منع و نهی واقع شده است. اما باید توجه داشت که علاوه بر رعایت حال جسمانی حیوان، توهین زبانی و لعن حیوانات نیز امر ناپسندی شمرده شده و در روایات متعددی به آن اشاره شده است. از حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) در این باره وارد شده است:

قال علي(ع) - في الدواب: لا تضربوا الوجوه ولا تلعنوها؛ فإن الله عز وجل لعن لاعتها؛ ۱۷۵

به صورت چهار پایان نزنید و آنها را مورد لعن قرار ندهید؛ زیرا خدای متعال، شخصی را که چهار پایان را نفرین کند لعن نموده است.

در حدیث دیگری از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که:

ان رسول الله(ص) سمع رجلاً يلعن بعيراً، فقال(ص): ارجع لا نصحبنا على بعير ملعون؛ ۱۷۶

احترام زبانی به حیوان تا بدان جا مورد اهتمام است که حتی پیامبر به اسب سلام کرد.

امام صادق(ع) نقل می فرماید:

۱۷۴. كشف اللثام، ج ۱، ص ۲۳۳

۱۷۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۸۸؛ منتهی المطلب(ط. ق.)، ج ۲، ص ۶۴.

۱۷۶. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۰

روزی شخصی به همراه اسبش خدمت پیامبر اکرم (ص) آمده و به آن حضرت سلام نمود. پیامبر اکرم در جواب سلام آن مرد فرمود: «وعلیکم السلام» (یعنی سلام بر شما)؛ و جواب سلام آن مرد را به صیغه و ضمیر جمع دادند. آن مرد گفت: یا رسول الله! من تنها و یک نفر هستم. چرا شما جواب سلام مرا به ضمیر جمع دادید؟ پیامبر در پاسخ فرمود: سلام من بر تو و اسب تو بوده است. ۱۷۷

در پایان لازم به ذکر است، مطالب ذکر شده در چهار بخش گذشته تنها بخشی از مطالبی است که در معارف اسلامی پیرامون حیوانات وجود دارد. اما همین مقدار، ما را به این نکته رهنمون می‌کند که قوانین و حقوق اسلامی بسیار جامع و فراگیر بوده و از مهم ترین مسائل زندگی تا مسائل ریز آن از چشم شارع مقدس مخفی نمانده است. در عین حال با بیان مسائل کلی و به دادن ملاکات اساسی می‌توان پاسخ مسائل نو و جدید را پیدا و از آنها استفاده کرد و پویایی فقه شیعه را به چشم دید. حال که اسلام به حیوان و حقوق آن تا این اندازه اهتمام ورزیده و رعایت حال او را در تمام شئون لازم داشته است، به خوبی روشن می‌شود که انسان‌ها در این نظام حقوقی از چه جایگاه رفیعی برخوردارند و حقوق بشر از ارکان این دین به شمار می‌رود که بیان مسائل و شواهد آن، مجال خود را می‌طلبد.

۱۷۷. النوادر، سید فضل الله راوندی، ص ۱۹۶. قال الامام الصادق (ع): ائی رجل النبی (ص) فسلم علیه، فقال النبی (ص): وعلیکم السلام. فقال رجل: یا رسول الله - ائما انا وحدي؟! فقال (ص): علیک وعلی فرسک.